

کانون قرآن پژوهان دانشگاه بیرجند

شماره چهارم، پاییز ۱۴۰۴

استراتژی‌های سیاسی و روانشناسی جنگ در قرآن کریم

راهبردهای سیاسی پیامبر اکرم و اهل بیت (ع)

اهمیت تبعیت از رهبر فقیه از منظر قرآن و اهل بیت (ع)

پیروزی همیشگی: تحلیل بیانات رهبری

دشمن شناسی و یهود در قرآن

و...

سازمان نشریات
دانشگاه بیرجند

کانون قرآن پژوهان



نشریه تبیان

شماره چهارم، پاییز ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: کانون قرآن پژوهان دانشگاه بیرجند

سر دبیر : مریم داوودی

مدیرمسئول: فاطمه علی آبادی

استاد مشاور: دکتر علی اکبر محمدی

طراح جلد و صفحه آرا: علی احمدی

اعضای هیئت تحریریه:

فاطمه علی آبادی، فاطمه خسروی، مریم داوودی،
فاطمه چرخ، مهلا عباسی، ذکیه لطفی



فهرست

۰۴ | سخن سردبیر

۰۵ | استراتژیهای سیاسی و روانشناسی جنگ در قرآن کریم

۰۸ | راهبردهای سیاسی پیامبر اکرم و اهل بیت (ع)

۱۳ | اهمیت تبعیت از رهبر فقیه از منظر قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)

۱۶ | پیروزی همیشگی: تحلیل بیانات رهبری

۲۵ | دشمن شناسی و یهود در قرآن

۳۲ | انسجام، وحدت، همدلی و همبستگی ملی و دینی بر مبنای قرآن



پیروزی همیشگی: تحلیل بیانات رهبری

تحلیل بیانات مقام معظم رهبری
در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۴ - روزنامه پیروزی
همیشگی اسلام واقعی

تحقیق و همه‌پایه از ماهیت جنگ
و جهاد ارائه می‌دهند که می‌تواند
راهنمای عمل برای امت اسلام در
شرایط کنونی باشد. در بیانات مقام
معمول رهبری (مطالعه‌آموزی) همواره
از کلمات کلیدی استفاده شده است
که تماماً مبتنی بر قدرت ملامت و
استدلالی ایران اسلامی در برابر
استکبار جهانی و تلاش و جهاد ملت
برای حفظ نظام، ارزشهای اسلامی
و ملی و اقتدار در منطقه را می‌دهند.

مفهوم شناسی جهاد در اندیشه
رهبری:

در تحلیل بیانات رهبر انقلاب
جهاد مفهومی بسیار وسیع و چندبعدی
است. جهاد آن عرصه جریحی و
آن عمل شامل و عام و نافع تمام
نشیانی است که در انواع و اشکال
مختلف تحقق پیدا می‌کند. معیار
جهاد، همان چیزی است که
انسان را از زمان فارسی‌ها تا کنون
«جهاد» وجود دارد پس جهاد
بیانی مبارزه (در شروع درس خارج



سخن سردبیر

در مسیر نور: بصیرت، وحدت و جهاد

در عصری که امواج شبهه و تحریف، کرانه‌های فکر و ایمان را نشانه رفته است، نشریه تبیان به زعم خود، سعی دارد با استناد به قرآن کریم و سیره معصومین(ع)، به تبیین مسائل سیاسی، فرهنگی اجتماعی از دیدگاه اسلام حقیقی که همانا اسلام ولایست بپردازد.

این شماره، با نگاهی ژرف به «استراتژی‌های سیاسی و روانشناسی جنگ در قرآن» آغاز می‌شود و نشان می‌دهد که چگونه کتاب الهی، نه تنها راهنمای زندگی فردی، که نقشه راه حکمرانی و مدیریت جهانی است. سپس با گذری بر سیره نبوی و اهل بیت(ع)، الگوهای ماندگار رهبری، مقاومت و تدبیر را به تصویر می‌کشد.

در ادامه، با تأکید بر «اهمیت تبعیت از رهبر فقیه»، پیوند دین و سیاست را ترسیم کرده و نشان می‌دهد که چگونه ولایت فقیه، حلقه اتصال امت به امام زمان(عج) و ضامن حفظ اسلام ناب است.

مقاله «پیروزی همیشگی» با تحلیل بیانات حکیمانه رهبر انقلاب، روحیه جهادی و امید را در جان خواننده می‌دمد و یادآور می‌شود که جهاد تنها در میدان رزم نیست، بلکه در عرصه‌های علم، فرهنگ، اقتصاد و معنویت نیز جریان دارد.

بخش پایانی با موشکافی «دشمن‌شناسی و پهود در قرآن»، پرده از چهره واقعی دشمنان داخلی و خارجی برمی‌دارد و هوشیاری و بصیرت را چون زرهی محکم بر تن امت مسلمان می‌پوشاند.

ما در تبیان برآنیم که با قلمی متعهد و اندیشه‌ای قرآنی، سپری در برابر تهاجم فرهنگی و توطئه‌های دشمنان باشیم و نویدی باشیم برای آنان که در جستجوی حقیقت‌اند.

امید است این شماره، چراغی فراراه همه رهپویان حق باشد و تلنگری باشد برای بیداری دلها و تقویت ایمانها.

به امید ظهور منجی بشریت، حضرت مهدی موعود(عج).

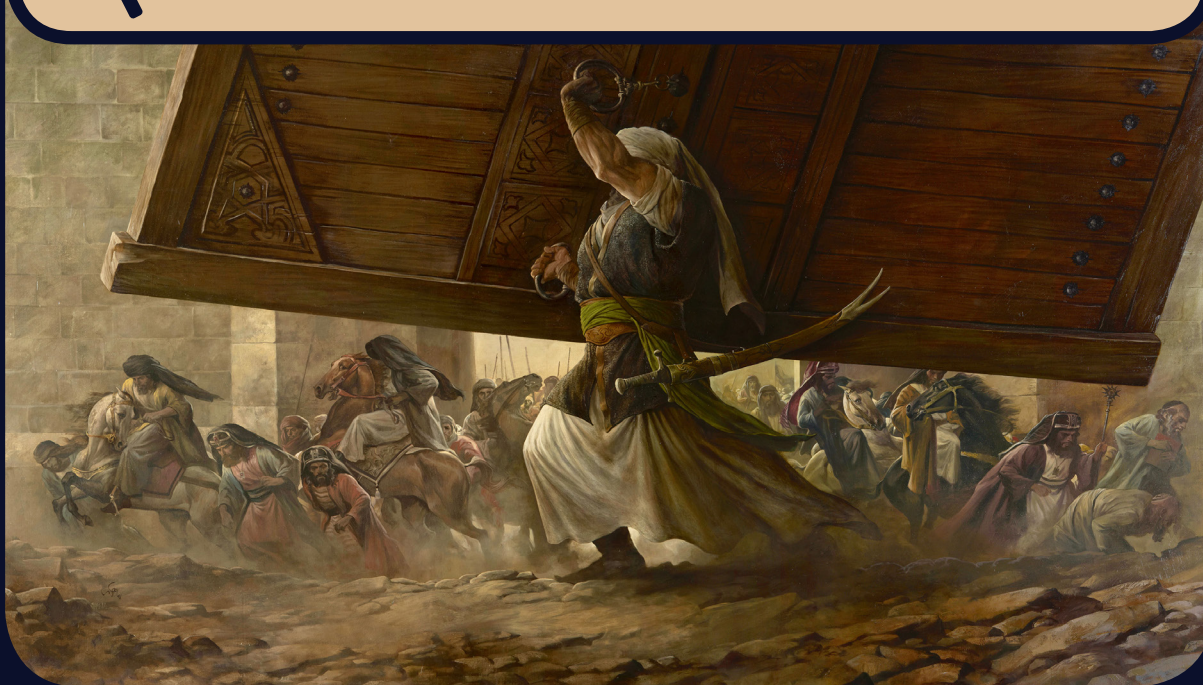
مریم داوودی

پاییز ۱۴۰۴





استراتژی های سیاسی و روانشناسی جنگ در قرآن کریم



می‌یابد که اسلام شایسته است حکم دفاعی در پاک کردن زمین از لوث مطلق شرک داشته باشد و در خلوص ایمان برای خداوند تلاش کند (قاضی زاده، ۱۳۸۵).

با توجه به دیدگاه‌های ذکر شده باید گفت: این آیات از آن جهت که نحوه برخورد با حاکمیت مشرکین در مکه را نشان می‌دهد می‌تواند به عنوان استراتژی برخورد با ملل یا حاکمیت‌های کفر پیشه مطرح گردد. بعضی از این آیات بویژه از جمله وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ، تشریع جهاد ابتدایی به منظور دعوت به اسلام را برداشت کرده‌اند. مرحوم علامه طباطبایی همچنان که آوردیم به نحوی در جهت توجیه این نوع جهاد به صورتی که تبدیل به دفاع از انسانیت و فطرت شود پاسخ گفته است. عده‌ای از معاصرین این جهاد ابتدایی را به تبعیت از مفسر پیش گفته دفاع از انسانیت و فطرت الاهی انسان می‌بینند (قاضی زاده، ۱۳۸۵).

فتنه» حد زمانی حکم است و... . در ادامه می‌نویسد:

این آیات مخصوص قتال با مشرکین است و شامل اهل کتاب نمی‌شود، پس مراد نهایت قتال که دین برای خداوند باشد آن است که بت‌ها را عبادت نکنند و به توحید اقرار نمایند. اهل کتاب به توحید اقرار دارند گرچه به حسب حقیقت آنان نیز کافرنند. (۵۹) قرآن اسلام و دین توحید را مبتنی بر فطرت می‌داند و اقامه و تحفظ بر انسانیت را از اهم حقوق مشروعه انسان برمی‌شمارد و دفاع از این حق را نیز حق فطری دیگری می‌داند... و قتال چه به عنوان دفاع از مسلمین یا از حوزه اسلامی یا جهاد ابتدایی باشد همه آنها در حقیقت دفاع از حق انسانیت است در حیات او چرا که در شرک به خداوند پاک انسانیت هلاک می‌شود و فطرت می‌میرد و در دفاع از حق انسانیت اعاده حیات انسانیت و زندگانی آن بعد از مرگ او است. پس شخص زیرک و عاقل این گونه

اسلام بعنوان یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ادیان الهی، هم‌اکنون در سیاست داخلی کشورها و در عرصه نظام بین‌الملل بشدت تأثیرگذار است. طبیعی است که اسلام بعنوان یک دین، مصادف با نمود اصلی آن در قرآن و سنت است که صرفاً آثاری مکتوب بشمار می‌روند و این تأثیرگذاری از طریق مسلمانان که مرجع و منبع اصلی نشان قرآن و سنت است انجام می‌پذیرد. بنابراین برای فهم منطق رفتار مسلمانان در حوزه سیاست داخلی و بین‌المللی از یک سو و کشف و طراحی الگوهای رفتار سیاسی جدید از سوی دیگر، باید به تحلیل و بغز خوانی منابع اصلی یعنی قرآن و سنت پرداخت (علیخانی، ۱۳۸۶).

و بالاخره علامه طباطبایی می‌نویسد:

کلام خدا «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» بیان اصل حکم است، کلام خداوند «وَلَا تَعْتَدُوا» حد حکم از جهت سازمان‌دهی و انتظام است، کلام خداوند «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ

استراتژی پیامبر(ص) در مواجهه با دشمنان

اگر در عملکرد پیامبر اسلام(ص) دقت کنیم متوجه می‌شویم ایشان جنگ را هدف نمی‌دانند بلکه صرفاً ابزاری می‌دانند که در برابر دشمنان معاند کارآیی دارد، والا

تا زمانی که

مانعی

در راه

تبلیغ

دین اسلام

و اجرای

احکام آن

نباشد، اسلام

جنگی با دیگران

ندارد. لذا مشاهده

می‌کنیم به میدان نبرد

ایشان هم به بعد سخت

افزاری جنگ می‌پردازند و هم

به بعد نرم‌افزاری آن..

مواجهه نرم

جامعیت و جاودانگی دین اسلام می‌طلبید که پیامبر(ص) شرایط را برای انتخاب آگاهانه و آزادانه فراهم آورد. مسلماً این امر در فضای آرام و بدون تنش و بدون خشونت تحقق می‌یابد، زیرا هدف، حاکمیت بر قلب‌هاست نه بر ابدان. در ذیل به راه‌کارهای مواجهه نرم پیامبر(ص) می‌پردازیم. البته کاربرد برخی از راه‌کارها در جهت تقویت اعتقادی مسلمانان است و برخی دیگر برای جلب نظر و اعتماد دشمنان تا زمینه برای گرویدن ایشان به اسلام میسر گردد. (محبّتی، ۱۴۰۱).

الف) تبیین ضرورت

جهاد برای مسلمانان:

غایت خلقت انسان، ایصال به کمال و سعادت اخروی است. این امر با راهنمایی خداوند در قالب دین حاصل می‌گردد. از این‌رو دین اسلام به عنوان دینی جامع و برای هدایت تمام انسان‌ها نازل شده، باید در اختیار

همه قرار گیرد. «وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنَّكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ». این امر در سایه گفتگو و مذاکره صورت می‌گیرد و فضایی آرام برای شناساندن و شنوندن ندای حق می‌طلبد، ولی هستند کسانی که احساس می‌کنند گزاره‌های وحیانی در تعارض با خواست‌های نفسانی ایشان است. لذا فضای آرام گفتگو را برهم زنند و با توسل به اقسام ظلم و جورها مانع از گسترش اسلام می‌گردند. در این هنگام جهاد برای جلوگیری از تجاوزها و ستمگری‌های دشمنان به عنوان آخرین حربه تقابلی با ایشان ضرورت می‌یابد تا دوباره شرایط برای انتخاب آزادانه و آگاهانه افراد فراهم گردد؛ «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّتِ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا». (محبّتی، ۱۴۰۱).

ب) انعقاد صلح‌نامه با قبایل

مختلف: یکی از راه‌کارهای پیشبردی اهداف کلان، ایجاد فضایی امن و به دور از هرگونه جنجال و خطر است که یکی از راه‌کارهای آن انعقاد قراردادها است. تفاهمنامه‌های منعقد شده نشان می‌دهند که پیامبر(ص) قصد تحمیل عقیده نداشته، بلکه فقط می‌خواسته شرایط را برای

تبلیغ آماده سازد.

فی‌المثل قراردادهایی با قبیله

بنی‌ضمیره و یهودیان و مکیان^۱ بست، اما

متأسفانه بر اثر نقض قرارداد و دان^۲، خیبر^۳ و فتح مکه^۴ واقع شد. (محبّتی، ۱۴۰۱).

جاودانه که

برای هدایت تمام انسان‌ها نازل شده، باید در اختیار

پ) رفع دل‌نگرانی مسلمانان از تحریم‌های اقتصادی با تبیین رزاقیت خداوند: ایجاد آرامش روحی برای مسلمانان از دیگر اقدامات ثمربخش پیامبر(ص) در راستای افزایش نیروی استقامت در برابر است. چون ممکن بود برخی از مسلمانان فریفته تمتعات دنیوی و احساس خلأ از عدم ارتباط با ایشان داشته باشند، خداوند می‌فرماید این ما هستیم که رزق مادی را میان بندگان تقسیم می‌کنیم؛ «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» پس از قطع ارتباط با دشمنان نهراسید بلکه مطمئن باشید در صورت استقامت در دین و ایستادگی در برابر دشمنان، هم پیروزی عاید شما می‌شود «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» و هم رزق و روزی فراوان و پربرکتی بر شما نازل می‌گردد. «وَأَنْ لِّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ» (محبی، ۱۴۰۱).





راهبردهای سیاسی پیامبر اکرم و اهل بیت (ع)



لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تُعْقِلُونَ»؛ «ای اهل ایمان! از غیر خودتان برای خود محرم راز نگیرید؛ آنان از هیچ توطئه و فسادى درباره شما کوتاهی نمی‌کنند؛ شدت گرفتاری و رنج و زبان شما را دوست دارند؛ تحقیقا دشمنی [با اسلام و مسلمانان] از لابلای سخنانشان پدیدار است و آنچه سینه‌هایشان [از کینه و نفرت] پنهان می‌دارد بزرگ‌تر است. ما نشانه‌های [دشمنی و کینه آنان] را اگر می‌اندیشید برای شما روشن ساختیم» (آل عمران/۱۱۸).

با تأملی در آیات قرآن کریم در خواهیم یافت که تا چه اندازه قرآن کریم نسبت به «شناساندن دشمن» حساسیت نشان داده است؛ به‌طوری‌که بیش از هزار و پانصد آیه از آیات قرآن پیرامون دشمن شناسی است. این آیات، انواع دشمنان مؤمنان و دولت اسلامی، ابزار و شیوه‌های دشمن و راه‌های

برخی از مهم‌ترین راهبردهای سیاسی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان از منظر قرآن کریم شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. دشمن شناسی

قرآن کریم بر مسئله دشمن‌شناسی تأکید ویژه‌ای دارد، زیرا بی‌شناخت دشمن نمی‌توان راه‌های مقابله با او را شناخت و اندیشه و روش و رویه عمل او را دانست، زیرا در بسیاری از موارد دشمن، دشمنی خود را در زبان آشکار نمی‌کند یا کمتر آشکار می‌کند اما دل‌هایشان پر از کینه و عداوت است. لذا قرآن کریم مسلمانان را از دوستی با دشمنان و افشای اطلاعات منع نموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا

راهبرد مجموعه‌ای از برنامه‌ها و منابع و مهارت‌های به‌کارگیری آن‌ها در راستای رسیدن به اهداف مشخص و موفقیت از وضع موجود به وضع مطلوب. بر این اساس هر حکومتی بر اساس منافع دنیوی و اخروی حکومت و ملت خود در راستای اهداف مورد نظر سیاست‌های راهبردی خود را تدوین می‌کند. حکومت‌های زمینه‌ساز ظهور نیز راهبردهای سیاسی خود را بر اساس اهداف و منافع تعیین و سازماندهی می‌کنند. این حکومت‌ها با الگوگیری از تجربه‌های حکومت‌های پیامبران و امامان و حکومت‌های اسلامی پیش از خود در راستای زمینه‌سازی برای حکومت مطلوب امام مهدی که مصداق حکومت مطلوب تکامل یافته و آرمانی خود است به تدوین استراتژی دست می‌زنند (قاسمی، ۱۳۸۹).



مقابله با آنان را به مسلمانان می‌آموزد (باقری و قربان‌زاده، ۱۳۸۹). از منظر قرآن کریم دشمن هر شخص و یا کشور و دولتی به دو دسته تقسیم می‌شود. دشمنان درونی و دشمنان بیرونی:

۱-۱. دشمن درونی

از منظر قرآن کریم مهم‌ترین دشمنان درونی انسان، نفس انسان و شیطان هستند که همواره تلاش می‌کنند از درون انسان را به زمین بزنند. اگر دولتمردان، کارمندان و سربازان دولت اسلامی نتوانند با دشمنان درونی مبارزه کنند و در مقابل آن‌ها شکست بخورند، بدون شک در مبارزه با دشمنان بیرونی نیز شکست خواهند خورد. قرآن کریم نفس انسان را امرکننده به زشتی‌ها و بدی‌ها معرفی می‌کند: «وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» «من خود را از گناه تبرئه نمی‌کنم؛ زیرا نفس طغیان‌گر، بسیار به بدی فرمان می‌دهد مگر زمانی که پروردگارم رحم کند؛ زیرا پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است» (یوسف/۵۳).

از این آیه به خوبی روشن می‌شود که خطر نفس اماره تا چه حد است. حضرت یوسف پیامبر خدا خود را از شر آن در امان نمی‌بیند و شرط نجات خود را، رحمت الهی می‌داند. پس تکلیف انسان‌های عادی مشخص است. از همین‌رو است که پیامبر مهر و رحمت، مبارزه با نفس و دشمن درونی را «جهاد اکبر» و مبارزه با دشمنان بیرونی را «جهاد اصغر» خوانده است.

۱-۲. دشمن بیرونی

دشمنان بیرونی که عداوت خود را اظهار می‌کنند، از مرتبه ضعیف‌تری دشمنی با انسان برخوردارند، چرا که شناسایی آنان



آسان است. امام علی (ع) می‌فرماید: «سست‌ترین دشمنان کسی است که عداوتش را آشکار ساخته است، لذا مؤمنان در مبارزه و رویارویی با آنان همواره پیروز خواهند بود». البته دشمن را هیچ‌گاه نباید کوچک شمرد و از او غفلت نمود، چرا که او همیشه در کمین ما است و هرگز نمی‌خوابد (محقق، ۱۴۰۱).

۲. جذابیت و مشروعیت

مشروعیت و حفظ آن یکی از مهم‌ترین راهبردهای سیاسی و امنیتی و منبع قدرت برای هر نظامی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی به حساب می‌آید و از دست رفتن آن، نتایج وخیمی برای جایگاه و قدرت نظام حاکم به همراه خواهد داشت. در سطح داخلی اگر اتباع و مردم یک کشور، حق حکمران برای حکمرانی و فرماندهی را منکر شوند، ایشان در واقع موافقت عمومی یا رضایت گروهی خود را که موجودیت حکومت وقت را ممکن می‌سازد، پس گرفته‌اند. بدین ترتیب از میان رفتن مشروعیت، سبب تلاشی شدن قدرت حکمران و نظام حاکم می‌شود. به هر میزانی که مشروعیت یک حکومت کاهش یابد، به همان میزان قدرت آن کاهش می‌یابد. چنانچه این خسارت قابل توجه و گسترده باشد؛ موجودیت آن حکومت در معرض تهدید قرار می‌گیرد. در سطح بین‌المللی نیز، مشروعیت هر نظام باعث پرستژ و اعتبار بخشی آن و از مهم‌ترین راهبردهای سیاسی برای هر دولتی به حساب می‌آید. در حقیقت مشروعیت، محور قدرت نرم هر دولتی به‌شمار می‌رود (محقق، ۱۴۰۱).

۳. تکیه به آراء، حمایت و مشارکت مردم

قرآن کریم نیز یاری خداوند و حمایت مؤمنان و مردمی که به

می‌دهد. ائتلافها و اتحادهای بین‌المللی با محوریت امت اسلامی، یکی از مهم‌ترین اصول و راهبردهای دولت اسلامی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. اندیشه «امت اسلامی» مبنای قرآنی دارد و احیای آن می‌تواند عظمت از دست رفته مسلمانان را به جهان اسلام بازگرداند. به حکم آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (انبیاء/۹۲)، همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. می‌توان عمق این راهبرد را که بر پایه اصل اخوت و وحدت بوجود می‌آید، در آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران درک کرد که قرآن صریحاً مسلمانان را به وحدت و همدلی فراخوانده و از تفرقه نهی می‌کند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا».

بنابراین ضروری است که دولت اسلامی علاوه بر سازوکارهای مبتنی

پیامبر ایمان دارند، را در پیروزی پیامبر (ص) تعیین‌کننده و تأثیرگذار معرفی می‌فرماید: «وَإِنِّي يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنْ حَسِبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنُصْرِهِ وَالْمُؤْمِنِينَ»؛ «و اگر بخواهند [در زمینه صلح و آشتی] تو را بفریبند، یقیناً خدا تو را بس است؛ اوست کسی که تو را با یاری خود و به وسیله مؤمنان نیرومند ساخت» (انفال/۶۲).

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «ای پیامبر! خدا و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند [از نظر حمایت و پشتیبانی] برای تو بس است» (انفال/۶۴).

در این دو آیه، حمایت مؤمنان در پیروزی پیامبر گرامی اسلام به عنوان رهبر دولت اسلامی؛ مهم و کافی شمرده شده است.

۴. ائتلاف‌های بین‌المللی با محوریت امت اسلامی

یکی از سازوکارهای سیاست خارجی کشورها را ائتلاف سازی و همکاری‌های فراگیر راهبردی تشکیل

اینکه عامل مؤثر در جهانی سازی فرهنگ اسلامی محسوب می گردد (وحدانی، ۱۳۹۸).

عوامل پیشرفت سیاسی جوامع مسلمان شامل موارد زیر می باشد:

۱. ولایت پذیری

قرآن کریم در این باره می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ «ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می باشند] اطاعت کنید (نساء/۵۹).

۲. آزادی

امام علی (ع) می فرماید: «پسرم هرگز بنده دیگری مباش زیرا خدا تو را آزاد آفریده است». از این رو انسان ها فارغ از دین و مذهب برای رسیدن به رشد و تکامل حقیقی در مسئله سیاست، باید از دخالت و سلطه امیال و هواهای نفسانی و هر آنچه در رسیدن به این تکامل مانع او می شوند رها باشد.

۳. روابط بین الملل

یکی از عواملی که می تواند در رشد و پیشرفت سیاسی کشورهای اسلامی نقش آفرینی کند، روابط با سایر کشورها، اقوام و ملل است. روابطی که مفید و مؤثر در مسیر رشد سیاسی قرار گیرد که مبتنی بر منافع جوامع اسلامی باشد، از جمله عزت، اقتدار

و صرف آن در جای شایسته.

در روایتی نسبتاً طولانی از امام باقر (ع)، بایستگی این آموزه، پیامدها، چگونگی راهبری آن به سوی عدالت و بسترسازی آن برای رویارویی با ستمگران، بررسی شده و آمده است: امر به معروف و نهی از منکر فریضه ای عظیم می باشد که با آن ظلم برطرف گردیده است (سیدباقری، ۱۳۹۲).

رشد و پیشرفت سیاسی و رسیدن به جایگاه قدرتمند یک مؤلفه اساسی و مهم در ممانعت از جهانی شدن فرهنگ هر جامعه به خصوص جوامع مسلمان می باشد. اهمیت این مسأله از دو جهت است: ابتدا اینکه مانع جهانی شدن فرهنگ اسلامی (به معنای دستخوش تغییرات ناخواسته، نامتعادل و غیرارزشی فرهنگی شدن در اثر برخورد با سایر فرهنگ ها و متأثر شدن از فرهنگ های غیرارزشی و بیگانه) می شود و دیگر

بر «خودیاری» و تکیه بر منابع و ابزارهای قدرت ملی، از الگوهای همانند ائتلاف سازی و همکاری های بین المللی با محوریت امت اسلامی نیز استفاده نمود.

۵. مقاومت فعال

راهبرد مقاومت در برابر سلطه و سلطه گری و فشار و تهدید دشمنان و ایستادگی بر سر اصول و ارزش ها، راهبردی است که از آیات مختلف به دست می آید. البته مقاومت تنها جنبه سیاسی ندارد، بلکه شامل ایستادگی در همه عرصه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی می شود. خداوند در دوران مبارزه پیامبر اسلام نیز همین راهکار را توصیه می فرماید و هشدار می دهد که از مقاومت کردن کوتاه نیایید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ «همان گونه که به تو فرمان داده ایم، بر این دین پایداری کن. کسانی هم که از شرک، توبه کرده و همراه تو ایمان آورده اند باید در این مسیر پایداری کنند. مبادا دست از مقاومت بردارید و طغیان کنید و از بندگی خدا منحرف شوید، که او به کارهای شما بینا است و در صورت عقب نشینی، شما را مؤاخذه خواهد کرد» (هود/۱۱۲)، (محقق، ۱۴۰۱).

امام حسین (ع) در روایتی به عدالت که یکی از راهبردهای سیاسی می باشد اشاره کردند که امر به معروف و نهی از منکر همراه است با ستاندن حقوق ستمدیده، مخالفت با ستمگر، تقسیم عادلانه غنیمت ها و گرفتن صدقات از آنجا که باید



از این مسئله ویرانگر در نظام سیاسی جلوگیری شود عاملی در جهت پیشرفت سیاسی خواهد بود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ

۴. مقابله با نفوذ

مسئله نفوذ از جمله عواملی است که اگر در سیاست جتمعهای از سوی دشمنان رخنه کند، می‌تواند عاملی در جهت فروپاشی نظام سیاسی کشور باشد و اگر

و سایر سودهای مادی و معنوی. خداوند در این باره می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»؛ «عزت و اقتدار برای خدا، پیامبر و مؤمنان است» (منافقون/۸)، (وحدانی، ۱۳۹۸).



نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ»؛ «آیا به کسانی که بهره‌ای اندک از علم کتاب [تورات و انجیل] به آنان داده شده ننگریستی [که با پنهان داشتن حقایق کتاب و تحریف آیاتش] گمراهی را می‌خرند، و [از روی حسادت و دشمنی] می‌خواهند شما هم از راه مستقیم گمراه شوید؟» (نساء/۴۴).

پنهان می‌دارد بزرگ‌تر است. ما نشانه‌ها [ای دشمنی و کینه آنان] را اگر می‌اندیشید برای شما روشن ساختیم» (آل عمران/۱۱۸).

۵. استکبار ستیزی

خداوند در این باره در قرآن می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا

وَمَا تُخْفَىٰ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»؛ «ای اهل ایمان! از غیر خودتان برای خود محرم راز نگیرید؛ آنان از هیچ توطئه و فسادى درباره شما کوتاهی نمی‌کنند؛ شدت گرفتاری و رنج و زبان شما را دوست دارند؛ تحقیقا دشمنی [با اسلام و مسلمانان] از لابلای سخنانشان پدیدار است و آنچه سینه‌هایشان [از کینه و نفرت]



اهمیت تبعیت از رهبر فقیه از منظر قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)



منظر قرآن و سنت:

در فرهنگ اسلامی با توجه به نقشی که رهبران در توسعه حیات و مرگ جامعه دارند، اهمیت فوق العاده‌ای بر آن قائل هستند و تنها چیزی که در لسان قرآن به آن نعمت گفته می‌شود و از چگونگی تعامل با آن سؤال خواهد شد رهبران الهی است (تکائر، ۸). واقعیت و تجربه ثابت کرده که مدیران تنها با برنامه ریزی و سازماندهی و تقسیم فعالیتها نمی‌توانند سازمان را به موفقیت برسانند؛ بلکه نیازمند هدایت و کنترل می‌باشند چراکه انسانها بر عکس حیوانات که با هدایت تکوینی و کلی به مقصد می‌رسند نیازمند هدایت مستمر و کنترل دائمی هستند تا هویت دنیوی و مراحل بعدی سیر تکوین خود را رقم بزنند (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۴).

الهی و جلوگیری از انحرافات فکری و عملی را نیز تضمین می‌کند. در این مقاله، اهمیت تبعیت از رهبر فقیه از منظر قرآن و روایات بررسی می‌شود.

نگاهی به مفهوم رهبری:

جیمز استونر و ادوارد فریمن، دو تن از صاحب نظران و نویسندگان معروف مدیریت رهبری را این گونه تعریف کرده‌اند: «رهبری عبارت است از فرایند هدایت و اعمال نفوذ بر فعالیتهای کاری اعضای گروه. موره‌د و گریفین نیز در تعریف «رهبری» آورده‌اند: رهبری به عنوان یک فرایند عبارت است از قدرت استفاده از نفوذ بدون اجبار برای هدایت و هماهنگ کردن فعالیتهای اعضای گروه به منظور دست یابی به هدف.

نگاهی به جایگاه رهبری از

در فرهنگ اسلامی انسان مخلوقی است که توسط خداوند آفریده شده و نیاز و کاستی همه زندگی او را پوشانده ولی به حکمت الهی تمام منابع و ابزارهای لازم برای تأمین نیازهای انسان فراهم است و حتی این منابع و ابزارها قبل از تولد انسان فراهم می‌شود. یکی از این نیازها و مهم ترین آنها چگونگی استفاده از امکانات و ابزارها و منابعی است که برای تأمین زندگی در اختیار انسان قرار گرفته است؛ یعنی رهبری و مدیریت.

تبعیت از رهبری فقیه و آگاه به احکام الهی، یکی از ارکان اساسی نظام اسلامی است که در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به صورت گسترده به آن تأکید شده است. این موضوع نه تنها ضامن حفظ وحدت جامعه اسلامی است، بلکه اجرای صحیح احکام

نقش رهبری در هدایت:

یکی از ابزارها که نقش مهمی در هدایت و راهبرد انسانها دارد رهبری است، که یا انسان را بدرستی هدایت و او را از ظلمات به روشنایی رهنمون میکند و به مقصد نهایی می‌رساند (مائده، ۱۶) و یا آدمی را منحرف می‌سازد و از روشنایی به تاریکی میرساند که در زبان قرآن از آنها به طاغوت یاد می‌شود (بقره، ۲۵۶).

نقش الگو در هدایت:

الگوی هدایت در اجرای فرمان تا زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، پیامبران هر زمان و حضرت ابراهیم بوده اند (ممتحنه، ۴) که با بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این الگو به ایشان منتقل شد و تمام کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و خدا را ملجأ خود می‌شناسند، باید گفتار کلام و رفتار خود را با سنت و سیره ایشان مطابقت دهند (احزاب، ۲۱) و بعد از ایشان بنا به وصیتی که آن حضرت کرده اند و شیعه و سنی در سند آن اتفاق نظر دارند، این وظیفه به عهده دوازده امام معصوم علیهم السلام سپرده شد (خرز، رازی، ۱۴۰۱ق: ۸۷) در زمان غیبت صغری که بحثی در اطاعت از نواب خاص ایشان نیست، اما با شروع غیبت کبری امام دوازدهم این وظیفه مهم بر اساس توقیه ای که از حضرت به دست ما رسیده است، به عهده کارشناسان و

خبرگان دینی گذاشته شد (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۱).

بنابراین در زمان غیبت کبری باید از کسی اطاعت کرد که در جایگاه والای علم، فقاقت، درایت، سیاست و معرفت به دین و تطبیق دین بر زمان باشد که علمای طراز اول هر عصر، آن را بر عهده داشتند. در قرن اخیر، آیت الله بروجردی و بعد از ایشان امام خمینی رحمت الله علیهما و در زمان حاضر نیز مراجع عظیم الشان تقلید هستند که به تأیید خود ایشان و نیز مجلس خبرگان، امام خامنه ای حفظه الله عهده دار این منسب والا است.

اهمیت تبعیت از رهبر فقیه در قرآن:

۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء، ۵۹)

-تحلیل: این آیه به روشنی سه سطح از اطاعت را بیان می‌کند: اطاعت از خدا، اطاعت از پیامبر (ص) و اطاعت از اولی الامر. مفسران شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که «اولی الامر» به حاکمان و زمامداران عادل و دانا به احکام الهی اشاره دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۵، ص ۲۴).

بنابراین در زمان غیبت این واژه شامل ولی فقیه جامع الشرائط نیز می‌شود؛ به عبارت دیگر امامان معصوم (ع) کاملترین مصداق اولی الامر هستند و در زمان غیبت بر

اساس اصل تنزل تدریجی ولی فقیه جامع الشرائط مصداق آن است.

۲- ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (مائده، ۹۲)

- تحلیل: بر ضرورت تبعیت از رهبری الهی تأکید می‌کند. این آیات نشان می‌دهد که اطاعت از رهبری عادل و فقیه، در راستای اطاعت از خدا و رسول است و تخطی از آن به منزله نافرمانی از دستورات الهی است.

۳- ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران، ۱۰۴)

معنی: «و باید از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و به معروف امر و از منکر نهی نمایند».

- تحلیل: این آیه ضرورت وجود یک هدایتگر دینی را نشان می‌دهد که در زمان غیبت، فقهای جامع الشرائط این نقش را ایفا می‌کنند.

۴- ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء، ۱۴۱)

- معنی: «و خداوند هرگز برای کافران بر مؤمنان تسلطی قرار نداده است».

- تحلیل: این آیه نشان می‌دهد که جامعه اسلامی نباید تحت سلطه غیرالهی باشد و نیاز به رهبری الهی (فقیه عادل) دارد.



اهمیت تبعیت از رهبر فقیه
در روایات اهل بیت (علیهم
السلام)

۱- حدیث مقبوله عمر بن حنظله

امام صادق (ع) فرمودند:

«فَاتَّبِعِي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا، فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَيْمَ يَقْبَلَهُ مِنْهُ، فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدُّ» (وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱).

معنی: «من «فقیه جامع الشرایط» را حاکم بر شما قرار دادم؛ پس هرگاه به حکم ما حکم کرد و کسی نپذیرفت، گویا حکم خدا را سبک شمرده و بر ما رد کرده است.»

۲- حدیث امام عصر (عج):

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَصَامٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيِّ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ، قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعُمَرِيَّ أَنْ يُوصِلَ لِي كِتَابًا، فَقَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلْتُ عَلَيْ، فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ (عَلَيْهِ السَّلَام): ... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ، وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» (كمال الدین و تمام النعمة، الصدوق، ۱۳۹۵ ق، ج ۲، ص ۴۸۴).

معنی: «در رویدادهای جدید، به روایان حدیث ما (فقهها) مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمايند و من حجت خدا هستم.»

تحلیل:

الف) حجیت روایان حدیث (فقهها) در عصر غیبت: امام زمان (عج) در این روایت، «رِوَاةِ

حَدِيثِنَا» (ناقلان احادیث اهل بیت) را به عنوان «حَجَّتِي عَلَيْكُمْ» معرفی می کند. این تعبیر نشان می دهد فقهای آگاه به احکام شرعی، جانشینان امام در دوران غیبت هستند و مرجعیت دینی و قضایی دارند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۳، ص ۱۸۱).

ب) تشبیه ولایت فقیه به ولایت امام: جمله «وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» بیانگر آن است که همان گونه که امام حجت خدا بر مردم است، فقها نیز حجت امام بر مردم

۳- حدیث امام حسن عسکری (ع):

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، خَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَي هَيَاةٍ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلِدُوهُ» (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲)

معنی: «هر فقیهی که نفس خویش را حفظ کند، دینش را نگه دارد، با هوای نفسش مخالفت کند و مطاع امر مولا باشد، بر عوام است که از او تقلید کنند.»

۴- حدیث امام صادق (ع):

«اجْعَلُوا بَيْنَكُمْ رَجُلًا قَدْ عَرَفَ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» (حر عاملی، و سائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۱۳۷)

- تحلیل: این حدیث به وضوح بیان می کند که در زمان غیبت امام معصوم (عج)، جامع الشرایط به عنوان نمایان امام عصر (عج) مسئولیت رهبری جامعه را بر عهده دارند.

۵- حدیث امیرالمومنین امام علی (ع):

«لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰)

- تحلیل: جامعه بدون رهبری، دچار هرج و مرج می شود، حتی اگر این رهبری در دست افراد ناصالح باشد. بنابراین، رهبری فقیه عادل بهترین گزینه برای هدایت جامعه است.

هستند. این تشابه، دلالت بر نیابت عامه فقها دارد (طبسی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۲۹۵).

ج) شمول «حوادث واقعه» به تمام مسائل جدید: عبارت «الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ» (رویدادهای پیش آمده) شامل تمام مسائل سیاسی، اجتماعی و حکومتی می شود، نه فقط احکام فردی. بنابراین، فقها در عصر غیبت، ولایت بر امور جامعه را نیز دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲).



پیروزی همیشگی: تحلیل بیانات رهبری

مفهوم شناسی جهاد در اندیشه رهبری:

در تحلیل بیانات رهبر انقلاب، جهاد مفهومی بسیط و چندبعدی است: «جهاد آن عرض عریض و آن عمل شامل و عام و نافع تمام نشدنی است که در انواع و اشکال مختلف تحقق پیدا می‌کند. معیار جهاد همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه «مبارزه» وجود دارد؛ پس جهاد یعنی مبارزه (در شروع درس خارج

عمیق و همه‌جانبه از ماهیت جنگ و جهاد ارائه می‌دهند که می‌تواند راهنمای عمل برای امت اسلام در شرایط کنونی باشد. در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) همواره از کلمات کلیدی استفاده شده است که تماماً معنای قدرت، صلابت و ایستادگی ایران اسلامی در برابر استکبار جهانی و تلاش و جهاد ملت برای حفظ نظام، ارزش‌های اسلامی و ملی و اقتدار در منطقه را می‌دهد.

تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۰۹/۰۳ درباره پیروزی همیشگی اسلام واقعی

تاریخ تمدن بشری از بدو پیدایش تاکنون شاهد پدیده‌ای به نام جنگ بوده است. این پدیده که در قالب‌های مختلف تهاجم و دفاع، حق و باطل در طول قرون متمادی تداوم یافته، در منظومه فکری اسلام نگاه ویژه‌ای دارد. مقام معظم رهبری با تبیین این مفهوم در چارچوب اندیشه اسلامی، تحلیلی

مانند تحریف حقایق تاریخی در تله‌یر رژیم طاغوت، رژیم پهلوی (در دیدار جمعی دانشجویان، ۱۳۹۵/۰۳/۱۵). اکنون جنگی تبلیغاتی و رسانه‌ای بسیار شدیدی علیه ما وجود دارد، درست مثل جنگ تحمیلی (در دیدار با نخبگان و استعدادهای برتر، ۱۳۹۴/۰۷/۰۷). آنچه وظیفه همه امت اسلام است، مبارزه برای روشنگری است، این در درجه اول. این روشنگری جهاد است. بنابراین جهاد شامل جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی و جهاد مالی است. امروز به خاطر اینکه ما این فرضیه (فرضیه تبیین) را درست انجام ندادیم، یک عده‌ای دچار گمراهی‌اند و به خیال اینکه دارند برای اسلام کار می‌کنند، علیه اسلام دارند کار می‌کنند.

جنگ نیست». با این حال، ایشان بر ضرورت آمادگی دفاعی و نظامی در برابر تهدیدات دشمنان تأکید ویژه دارند. یکی از جهادها هم، جهاد فکری است. چون دشمن ممکن است ما را غافل کند، فکرها را متحرک کند (در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص)، ۱۳۸۳/۰۵/۱۳). دروغ‌گویی در باب حقیقت، مانند اینکه بزرگ‌ترین زرادخانه اتمی دنیا در امریکا است، اما فریاد می‌زنند که «ما ضد توسعه سلاح‌های اتمی هستیم». داعش را امریکا ایجاد کرده و درعین حال می‌گوید «ما داریم با داعش مبارزه می‌کنیم»؛ یعنی خلاف واقع‌نمایی (در سخنرانی تلویزیونی عید مبعث). تبیین‌های دروغ؛ مسائلی را تبیین می‌کند، تبیین‌های خلاف واقع،

فقه، ۱۳۷۳/۰۷/۰۲). هر تحرکی اسمش جهاد نیست. از خصوصیات این تحرک که اسمش جهاد است این است که انسان بدانند این در مقابل دشمن است (در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴). مفهوم جهاد بایستی ملاحظه بشود، استمرار و همه‌جانبه‌گی است؛ هوشمندانه بودن و مخاصمه‌ای بودن است؛ جهاد فقط در میدان جنگ نیست (در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور، ۱۳۹۰/۰۵/۲۶). بنابراین، جهاد فقط در میدان جنگ نیست (در دیدار جمعی از برجستگان و نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳). در مبارزه، دو چیز حتماً لازم است: یکی این که در آن جدیت و تحرک باشد، دوم این که در مقابل دشمنی باشد. مبارزه در آنجا که دشمن نیست، معنی ندارد (در شروع درس خارج فقه، ۱۳۷۳/۰۱/۲۰). جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس. میدان‌هایی دارد: یکی از میدان‌های حضور در نیروهای مسلحانه برای جهانی است، دیگری میدان سیاست، میدان علم، میدان اخلاق است (در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۰۴/۰۱). امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: جهاد چهار شاخه دارد:

۱. امر به معروف،

۲. نهی از منکر،

۳. راست‌گویی،

۴. صداقت در مواضع؛

(به بیان قرآن کریم در سوره احزاب، آیه ۲۳: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»). بنابراین، صدق در مواضع خودش جهاد است (در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۰۸/۲۰).

ساحت‌های مختلف جهاد در عصر حاضر:

در اندیشه رهبری، جهاد نظامی هرچند مهم است، اما تنها شکل جهاد نیست: «جهاد فقط در میدان



بازگشت به روزگار

اگر حادثه کربلا واسوه‌گیری از آن نبود،
انقلاب اسلامی ایران پیروز نمیشد.

رهبرانقلاب اسلامی | ۱۳۷۲/۰۳/۲۶
KHAMENEI.IR

می‌کنید، باید شکر کرد». ایشان با اشاره به تجربه انقلاب اسلامی تأکید می‌کنند: «اگر ملت ایران شکر انقلاب را نکرده بود، انقلاب می‌رفت». این شکرگزاری صرفاً در گفتار نیست، بلکه همانگونه که رهبری می‌فرمایند: «شکرگزاری به این است که انسان به لوازم این نعمت عمل کند». ملت ایران با عمل به این وظیفه، در تمامی عرصه‌ها حضور فعال داشته‌اند: «در هر میدانی که لازم بود حاضر شدند، آنجایی که فداکاری لازم بود فداکاری کردند، جان و مال و عزیزان و فرزند و آبرو و حیثیت، همه را به میدان آوردند». این ایثارگری‌ها که از سوی «یک جمع عظیمی، یک اکثریت قابل توجهی» انجام شده، موجب شده است که «خدای متعال [هم] پاسخ داد؛ انقلاب را برایشان حفظ کرده».

امروز شاهدیم که «انقلاب از روز اولی که پیروز شد، قوی‌تر، پُردرتر و برای آینده قادر بر برنامه‌ریزی بیشتر است». این تحول عظیم که در پیوند با حرکت‌های مردمی مانند پیاده‌روی اربعین تجلی می‌یابد، نشان‌دهنده تداوم همان روحیه جهادی است که در طول تاریخ اسلام، مایه عزت و سربلندی امت اسلامی بوده است.

نمی‌شود». این در حالی است که «با وجود موانع فراوان، از ایران فقط دو میلیون نفر برای پیاده‌روی هشتاد کیلومتری - برای پیاده‌روی، نه برای لذت بردن و در هتل لمیدن - بلند می‌شوند می‌روند کربلا؛ چند برابر آن [هم] از خود عراق و از مناطق دیگر».

این حرکت عظیم مردمی که از آن به عنوان «یک حادثه‌ی الهی» و «یک پدیده‌ی الهی» یاد می‌شود، در حقیقت نشان‌دهنده عمق ایمان و بصیرت امت اسلامی است. همانگونه که رهبر انقلاب تأکید می‌کنند: «این نشان‌دهنده‌ی این است که این راه، راه عشق است؛ منتها نه عشق مجنونانه، عشق همراه بصیرت؛ مثل عشق اولیا به خدا». این عشق آگاهانه و خردمندانه که در دعای «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصلُنِي إِلَى قُرْبِكَ» تجلی یافته، همان نیروی محرکه‌ای است که میلیون‌ها انسان را با اختیار و آگاهی به سوی کربلا می‌کشاند.

مقام معظم رهبری با اشاره به لزوم شکرگزاری در برابر چنین نعمت‌های بزرگی می‌فرمایند: «در این جور حوادث که شما دست قدرت الهی را پشت سرش بوضوح می‌بینید و برکاتش را مشاهده

باید روشنگری کرد، به تبیین که قرآن خواسته است (هدایت کنید): «تَبَشِّرْهُ لِلنَّاسِ وَلَا تُكْثِرْهُ» (آل عمران، ۱۸۷). اینها را برایشان بیان کنید، روشن کنید (در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۲۹/۰۲/۱۳۹۵).

تبیین اساس کار ما است. ما با ذهن‌ها مواجهیم، با دل‌ها مواجهیم، باید دل‌ها قانع شود؛ اگر دل‌ها قانع نشود، بدن‌ها به راه نمی‌افتد، چشم‌ها کار نمی‌کنند. این فرق بین تفکرات اسلامی و تفکرات غیراسلامی است (در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۲/۰۴/۱۳۹۵). تبیین، بیان واقعیت و رساندن واقعیت، تبلیغ، بلاغ، خیلی اهمیت دارد. برخلاف تفکر مارکسیستی یعنی دیالکتیکی که آنها تفسیر کرده بودند، لازمه‌اش این بود که مبارزه احتیاج به تبیین ندارد. اختلاف ما هم با چپ‌ها و مارکسیست‌هایی که در دوران مبارزه فعالیت می‌کردند سر همین بود که به تبیین اعتقاد نداشتند (در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۲/۰۴/۱۳۹۰). امروز دشمن از اینکه بتواند به نظام اسلامی ضربه وارد کند، ناامید است. بنابراین ناامید است که ضربه اسلامی وارد کند؛ اما ناامید نیستند که بتوانند نفوذ کنند؛ چون ابزارهای نفوذ امروز زیاد است. سعی دارند جوان امروزی را به شکلی بار بیاورند که خودشان می‌پسندند (در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین، ۰۳/۰۳/۱۳۹۵).

پیاده‌روی اربعین به عنوان یکی از بارزترین مصادیق جهاد معنوی در عصر حاضر، تجلی‌گاه عشق و بصیرت اسلامی است. مقام معظم رهبری با اشاره به این پدیده عظیم می‌فرمایند: «شما حرکت پیاده‌روی اربعین را ببینید. در حالت عادی برای اینکه ده هزار نفر، پنجاه هزار نفر را یک جا جمع کنند، چقدر تلاش تبلیغاتی در دنیا انجام می‌گیرد، آخرش هم



نهضت ادامه دارد
مردم مقاوم لبنان و فلسطین! مبارزان شجاع و مردم صبور و قدرشناس!
این شهادتها، این خونهای بر زمین ریخته، نهضت شما را سست نمیکند، بلکه استوارتر میکند...
امروز مقاومت در منطقه با این شهادتها عقب نخواهد نشست! مقاومت بی‌روز خواهد شد.
مقاومت در غزه چشم دنیا را خیره کرد و به اسلام عزت بخشید.
www.khamenei.ir
۱۳۰۲/۰۷/۱۳

امانت را تحویل می‌دهد به نسل جوان بعد از خودش و این سلسله تمام‌نشدن است».

شرط اساسی تداوم موفقیت‌های بسیج، پایبندی به اصول اخلاقی و معنوی است: «یک نکته‌ی دیگر این است که قطعاً حرکت بسیجی در کشور ما پیروز است. شرط اصلی‌ای که این پیروزی دارد این است که همه‌ی ما -جوانها و غیر جوانها- تقوا را و حُسن عمل را برای خودمان یک وظیفه بدانیم». تقوای بسیجی دارای ابعاد مختلفی است: «تقوای شخصی و تقوای اجتماعی و گروهی، هر کدام معنایی دارد؛ حالا من درباره‌ی تقوای گروهی هم صحبت کرده‌ام، عرایضی کرده‌ام و دیگر نمی‌خواهم تکرار کنم».

رهبر انقلاب با اشاره به ضرورت مراقبت فردی و جمعی می‌فرمایند: «تقوا لازم است؛ خودتان را مراقبت کنید؛ هم مراقبت شخصی کنید، این هم مراقبت گروهی کنید». این مراقبت‌ها زمانی ثمربخش خواهد بود که منجر به عمل صالح شود: «اگر این [طور] شد، خدا فرمود: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ؛ کسانی که تقوا پیشه کنند و نیکو عمل بکنند، مَعَ الَّذِينَ خدا با اینها است». این معیت الهی که از آن به عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه بسیج یاد می‌شود، «خیلی مسئله‌ی مهمی است» و رمز ماندگاری و موفقیت این نهاد انقلابی محسوب می‌شود.

معیت الهی؛ مبانی نظری و مصادیق عملی

ببینید! این معیت الهی که در قرآن می‌فرماید «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا» (سوره نحل، آیه ۱۲۸) یک شعار نیست، یک واقعیت زنده و تاریخی است. من برای شما مثالی از قرآن می‌زنم: وقتی خدای متعال موسی و هارون را مأمور مقابله با فرعون



دست‌به‌دست در طول زمان به یکدیگر منتقل می‌کنند؛ و همین اتفاق افتاده است». نکته قابل تأمل این است که روحیه انقلابی و جهادی در نسل جدید بسیجیان به خوبی حفظ شده است: «شاید نود درصد شماها که اینجا هستید، نه دوران امام را دیده‌اید، نه امام را مشاهده کرده‌اید، اکثرتان جنگ را ندیده‌اید اما روحیه، همان روحیه است». رهبری با اشراف کامل به شرایط جوانان می‌فرمایند: «نه اینکه من از اظهاراتی که این جوانهای عزیزمان اینجا کردند این را الهام بگیرم؛ نه، من اطلاع دارم، من مرتبطم با جوانها». «روحیه‌ی امروز جوانهای ما همان روحیه‌ی جوانهای آن وقت است».

با این حال، تفاوت‌های معناداری بین نسل اول و نسل‌های بعدی بسیج وجود دارد: «با این تفاوت که آنها آن وقت در وسط کوره‌ی انقلاب بودند، امروز آن [شرایط] نیست، درعین حال آن روحیه هست. تفاوت دیگر اینکه بصیرت و آگاهی و تجربه‌ای که جوانهای ما امروز دارند، آن روز وجود نداشت؛ یعنی ما پیش رفته‌ایم». این سیر تکاملی نشان‌دهنده پویایی بسیج است: «امام سرنوشت انقلاب را سپرد به شما جوانها؛ و هر مجموعه‌ی جوانی، هر نسلی، وقتی از جوانی پا می‌گذارد به میانسالی، در واقع این

بسیج؛ الگوی عملیاتی جهاد در نظام اسلامی

بسیج به عنوان یکی از برجسته‌ترین نهادهای انقلابی، تجلی‌گاه مفهوم والای جهاد در نظام جمهوری اسلامی است. مقام معظم رهبری با اشاره به جایگاه ممتاز بسیج می‌فرمایند: (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۰۳/۰۹/۱۳۹۵) «یک مطلب اصلی امروز من درباره‌ی بسیج است. بسیج یکی از آن پدیده‌های شگفت‌آور دوران انقلاب بود». این نهاد مردمی که با الهام الهی شکل گرفت، «امام بزرگوار از طرف پروردگار ملهم شد به اینکه این اقدام را بکند؛ بسیج بیست میلیونی که ایشان اعلان کردند و سازمان بسیج که تشکیل شد، خیلی کار بزرگی بود».

حقیقت بسیج را باید در ماهیت مردمی و جوان‌گرایانه آن جستجو کرد. همانطور که رهبر انقلاب تأکید می‌کنند: «معنای این کار این بود که خدای متعال به امام بزرگوار این تعلیم را داد، این الهام را کرد که سرنوشت انقلاب را بسپرد دست جوانها». این ویژگی منحصر به فرد، بسیج را به نهادی ماندگار و پویا تبدیل کرده است: «نه فقط جوانهای آن روز. وقتی جوانها وارد میدان شدند، این امانتی را که دست آنها سپرده شده است، این اعتمادی را که به آنها شده است،



دارم، شاید بعضی از شما هم اطلاع داشته باشید که همین الان دارند برای بسیج، برای جوانهای کشور، برای همانهایی که من گفتم «افسران جنگ نیم»، رقیب‌سازی میکنند. یک خط موازی درست میکنند، برای اینکه از اینجا غافلش کنند و آنجا بکشاندش. اینها مسائل مهمی است.

جمهوری اسلامی با اتکاء به قدرت الهی و با باور کردن قدرت حضور مردم، از هیچ قدرتی در دنیا هراس ندارد. اگر کسی به تقلید از روحیه‌های ضعیف بنی‌اسرائیل میگوید که «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ» (۱۱) —حالا به ما میرسند و پدر ما را در می‌آورند— ما هم به تقلید از حضرت موسی عرض میکنیم که «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ».

نقش تقوا و معیت الهی در پیروزی حرکت بسیجی

نکته‌ای دیگر این است که قطعاً حرکت بسیجی در کشور ما پیروز است. شرط اصلی‌ای که این

در انقلاب ما جاری است. بسیج ما فقط یک حرکت احساسی نیست، بسیج بر پایه بصیرت و ایمان به معیت الهی استوار است. همان‌طور که موسی(ع) از فرعون نترسید، بسیج هم از هیچ قدرتی در دنیا نمی‌ترسد.

بعضی‌ها فکر می‌کنند بسیج یک تشکیلات جناحی است؛ نه! بسیج، لشکر انقلاب است. بسیج مال همه است؛ دانشجو، کارگر، استاد دانشگاه، کاسب، همه در بسیج حضور دارند. این گستردگی افقی بسیج، همراه با هیئت‌های اندیشه‌ورز—نه آن «اتاق فکر» های غربی—باعث شده بسیج هم در جنگ سخت و هم در جنگ نرم —که از جنگ سخت خطرناک‌تر است— قوی بایستد.

یکی [دیگر] از راههایی که دشمنها دنبال میکنند، ایجاد خطوط موازی است؛ رقیب درست کردن برای بسیج؛ از این کارها هم میکنند. بنده نمیخواهم حالا وارد جزئیات بشوم اما من می‌شناسم، اطلاع

کرد، این یک مأموریت عجیب بود! فرعون، با آن همه قدرت سیاسی، نظامی و تبلیغاتی، با آن دستگاه عریض و طویلش، در اوج سلطه بود. اما خدا دو نفر را فرستاد؛ دو نفر تنها! موسی(ع) هم نگران بود، عرض کرد: «رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا»؛ یعنی می‌ترسیم کار ناتمام بماند. اما خدا چه فرمود؟ «لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى» (سوره طه آیه ۴۶). این، معیت الهی است!

وقتی بنی‌اسرائیل از چنگال فرعون فرار کردند و لشکر فرعون به دنبال آنها آمد، در آن لحظه‌ای که دو گروه همدیگر را دیدند، اصحاب موسی ترسیدند و گفتند: «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ» (شعرا، آیه ۶۱)؛ ما گرفتار شدیم! امیا موسی(ع) با قاطعیت گفت: «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (شعرا، آیه ۶۲). اینجاست که دریا شکافته می‌شود و معجزه الهی رخ می‌دهد.

ببینید! این معیت الهی، امروز هم



پیروزی دارد این است که همه‌ی ما -جوانها و غیر جوانها- تقوا را و حُسن عمل را برای خودمان یک وظیفه بدانیم. تقوای شخصی و تقوای اجتماعی و گروهی، هر کدام معنایی دارد؛ حالا من درباره‌ی تقوای گروهی هم صحبت کرده‌ام، عریضی کرده‌ام و دیگر نمی‌خواهم تکرار کنم. تقوا لازم است؛ خودتان را مراقبت کنید؛ هم مراقبت شخصی کنید، هم مراقبت گروهی کنید. اگر این‌طورا شد، خدا فرمود: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (سوره نحل: ۱۲۸)؛ کسانی که تقوا پیشه کنند و نیکو عمل بکنند، خدا با اینها است. اینکه خدا با یک جمعی باشد، خیلی مسئله‌ی مهمی است.

مصدق قرآنی معیت الهی

ببینید! من یک مثال برای شما از قرآن و از تاریخ قرآنی بزنم: خدای متعال موسی و هارون را مأمور کرد که بروند به سراغ فرعون، خب خیلی کار عظیمی بود که دو نفر آدم تنها، بروند به مقابله و معارضه‌ی با یک قدرت عظیم آن روز؛ قدرت فرعونی یک قدرت بسیار عظیمی بود -از لحاظ سیاسی، از لحاظ اجتماعی، حتی از لحاظ نفوذ در مردم، از لحاظ تأسیسات اداری، که تفاصیلی دارد قدرت فرعونی- یک چیز عجیبی بود فرعون؛ یک قدرت مستبد قَعال‌مایشاء؛ با آن همه امکانات؛ خدای متعال دو نفر را مأمور می‌کند که بروید شما با این آدم معارضه کنید و مبارزه کنید. حضرت موسی عرض کرد پروردگار! ممکن است برویم، ما را مثلاً بکشند، به قتل برسانند، کارمان نصفه‌کاره بماند -از کشتن نمی‌توانید بماند- گفتند: «قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأُرِي» (سوره طه: ۴۶) [خدا گفت] من با شما هستم. ببینید معیت الهی این است: «إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأُرِي». اینکه خدا می‌گوید «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا» -که من عرض می‌کنم اگر من و شما تقوا داشته باشیم خدا با ما است- این

معیت الهی و با ما بودن خدا، معنایش این است که می‌توان دو نفر آدم تنهای دست خالی را فرستاد به جنگ یک فرعون.

تجلی معیت الهی در صحنه عمل

همین حضرت موسی یک‌جای دیگر -مکرر البته در قرآن هست، حالا یک‌جای دیگرش را من عرض می‌کنم- وقتی که کارشان به معارضه و رودرویی علنی افتاد و بنی‌اسرائیل را جمع کرد که سحر، [یعنی] صبحگاه خیلی زود یا نیمه‌شب، حرکت کردند به بیرون شهر که فرار کنند و بروند و از دست فرعون خلاص بشوند، صبح که شد و یک‌مقداری روز بالا آمد، جاسوس‌های فرعون خبر دادند که بنی‌اسرائیل شهر را خالی کرده‌اند و همه رفته‌اند؛ فرعون دستپاچه شد که اینها حالا می‌روند یک‌جای دیگر و یک هسته‌ای درست می‌کنند؛ گفت جمع بشوید. لشکر را جمع کردند و پشت‌سر اینها راه افتادند؛ حالا چقدر فاصله شده من نمی‌دانم، شاید یک‌روز یا دو روز یا کمتر یا بیشتر فاصله شده که این لشکر راه افتاده است. خب، آنها پیاده داشتند بدون تجهیزات می‌رفتند -یک مشت مردم بودند؛ زن، مرد، بچه- [اما] اینها با تجهیزات و سپاه و لشکر و اسب و همه‌چیز؛ طبعاً زود به آنها می‌رسیدند؛ به آنها [هم] رسیدند. اصحاب موسی از دور دیدند که وای! لشکر فرعون دارد می‌آید؛ دستپاچه شدند. در قرآن -سوره‌ی شعرا- می‌فرماید که «فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَ» (سوره شعرا: ۶۱)، وقتی که دو گروه یعنی گروه حضرت موسی که جلو می‌رفتند و گروه فرعون که پشت سر می‌آمدند، همدیگر را از دور دیدند و این‌قدر به هم نزدیک شدند که می‌توانستند یکدیگر را ببینند، «قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ» (سوره شعرا: ۶۲)؛ بنی‌اسرائیل که با موسی بودند، خوفشان برداشت، گفتند

که یا موسی! الان به ما می‌رسند؛ «مُدْرِكُونَ» یعنی الان آنها می‌رسند، ما را می‌گیرند و قتل‌عام می‌کنند. موسی چه جواب داد؟ حضرت موسی در جواب گفت: «قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (سوره شعرا: ۶۲)، هرگز چنین چیزی پیش نخواهد آمد؛ چرا؟ «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي»؛ معیت این است. [گفت] خدا با من است، پروردگار من با من است؛ «قَالَ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»؛ ببینید! معیت الهی این‌قدر اهمیت دارد. اینکه می‌گویند: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (سوره نحل: ۱۲۸)، این معیت را باید قدر دانست. اگر من و شما بتوانیم این معیت الهی را حفظ کنیم، بدانید آمریکا که هیچ، اگر ده برابر قدرت آمریکا هم کسانی در دنیا نیرو داشته باشند، این نیرویی که خدا با او است، بر آنها غلبه خواهد کرد.

بصیرت؛ اساس حرکت بسیجی

بسیج صرفاً یک حرکت احساسی نیست، بسیج متکی است به دانستن و فهمیدن، متکی است به بصیرت. واقعیت بسیج هم همین است و در این جهت باید پیش برود. اگر صرفاً احساس بود، احساس با یک اندک چیزی تغییر پیدا می‌کند. یک عده‌ای اول انقلاب جزو کسانی بودند که پر شور با انقلاب همراه بودند اما از روی احساس؛ از روی عمق فهم دینی نبود. بنده با بعضی از اینها ارتباط داشتم، آشنا بودم، در دانشگاه و بیرون دانشگاه اینها را می‌شناختم؛ عمق دینی نداشتند. نتیجه این شد که با نشست و برخاست با بعضی آدم‌هایی که زاویه‌ی با انقلاب داشتند، اینها هم با انقلاب زاویه‌دار شدند -خاصیت زاویه هم این است که اول خیلی محدود شروع می‌شود، [اما] هرچه انسان خط را پیش ببرد، این فاصله بیشتر می‌شود، دهنه وسیع‌تر می‌شود- شدند مقابل انقلاب. بسیج همراه با بصیرت است. اینکه بنده سال ۸۸ روی بصیرت تکیه کردم، عده‌ای

بسیج؛ تجلی مردمسالاری دینی

بسیج تحقق مردمسالاری دینی است. ما که می‌گوییم مردمسالاری دینی یا مردمسالاری اسلامی، بعضی خیال می‌کنند این مردمسالاری فقط پای صندوق رأی و انتخابات است؛ آن [تنها] یکی از جلوه‌های مردمسالاری دینی است. مردمسالاری یعنی بر اساس دین و بر اساس اسلام، سالار زندگی جامعه، خود مردمند؛ مردمسالاری یعنی این؛ این معنای مردمسالاری اسلامی است. بسیج در همه‌ی عرصه‌ها مظهر مردمسالاری دینی و مردمسالاری اسلامی است. اگرچنانچه بسیج وارد اقتصاد بشود، اقتصاد می‌شود مردمسالار؛ این اقتصاد مقاومتی که ما عرض

هم‌افزایی این سطح وسیع افقی. بنابراین بسیج خط افقی دارد - این یک- از طرفی بسیج احتیاج دارد به مجموعه‌های اندیشه‌ورز، به هدایت عمومی. این هدایت - که بعد درباره‌ی این بیشتر صحبت عرض خواهم کرد- یک خط عمودی است که حالا نقش این خط عمودی چیست، [بعد] عرض می‌کنم. هم خط افقی در بسیج هست، هم خط عمودی در بسیج هست. نه مثل سازمان‌های متعارف نظامی یا تشکیلات اداری است که صرفاً خط عمودی باشد، نه مثل مجموعه‌های خدماتی مردمی است که صرفاً خط افقی باشد. هم خط عمودی دارد، هم خط افقی دارد؛ هر کدام بنحوی برای تشکیل بسیج یک امر لازمی است.

ناراحت شدند، عصبانی شدند، طنز گفتند، بد گفتند، مقاله نوشتند علیه اینکه چرا می‌گویید بصیرت، به‌خاطر این است؛ بصیرت مهم است؛ دانستن و فهمیدن مهم است.

بسیج؛ لشکر انقلاب

بسیج جناحی نیست؛ یکی از دو جناح سیاسی، یا سه جناح سیاسی، یا چهار جناح سیاسی داخل کشور نیست. بسیج لشکر انقلاب است، بسیج مال انقلاب است. اگر دوگانگی‌ای وجود داشته باشد، دوگانگی انقلابی و ضد انقلابی است - حتی [فرد] غیر انقلابی هم قابل کشش است، قابل جذب است؛ بنده معتقد به جذب حداکثری‌ام، البته با روش‌های خودش، نه اینکه حالا هر کاری بکنیم به‌عنوان جذب حداکثری - انقلاب و ضد انقلاب. هر جناحی، هر کسی، هر آدمی که انقلاب را قبول دارد، در خدمت انقلاب است، دنبال انقلاب است، بسیج طرفدار او هم هست. یعنی این جور نیست که ما در جناح‌های داخل کشور، بسیج را جزو این جناح یا آن جناح یا آن جناح [سوم] یا آن جناح [چهارم] بدانیم؛ نخیر، خود بسیج یک جریان است، یک شط‌عظیم جاری است به سمت اهداف انقلاب.

هم‌افزایی در بسیج

در بسیج هم‌افزایی لازم است. یعنی بایستی قشرهای مختلف مردم در بسیج حضور داشته باشند؛ همین بسیج اقشار. دانش‌آموز و دانشجو و کارگر و استاد دانشگاه و کاسب و حقوق‌دان و غیره و غیره و همه باید باشند. این گستره‌ی بسیج به‌صورت افقی است. البته شرطش این است که اینها با همدیگر هماهنگی نکنند. یکی از کارهای لازمی که بنده توصیه می‌کنم - همین جا هم می‌گویم، مسئولین هم تشریف دارند- و باید انجام بگیرد، [ایجاد] یک سازوکار قطعی است برای هماهنگی و همکاری و



گسترده‌تر می‌شود و خیلی هم خطرناک‌تر از جنگ سخت است -یعنی در جنگ سخت، جسم‌ها به خاک و خون کشیده می‌شوند، [اولی] روح‌ها پرواز می‌کنند و می‌روند به بهشت؛ [اما] در جنگ نرم، اگر خدای نکرده دشمن غلبه بکند، جسم‌ها پرواز می‌شوند و سالم می‌مانند، [اولی] روح‌ها می‌روند به قعر جهنم؛ فرقی این است؛ لذا این خیلی خطرناک‌تر است -هیئت اندیشه‌ورز لازم دارد؛ تا سازندگی که بسیج یک‌جاهایی مشغول سازندگی است؛ تا تقسیم مأموریت‌های جغرافیایی -همین که آمایش سرزمینی می‌گویند؛ در یک نقطه‌ای از کشور بسیج می‌تواند یک کاری را انجام بدهد که در نقطه‌ای دیگر یا نمی‌تواند انجام بدهد آن کار را، یا لازم نیست انجام بدهد -این باید با هوشیاری صورت بگیرد که هیئت اندیشه‌ورز لازم دارد. تمام این لایه‌های مختلف و لایه‌های گوناگون دیگر، هرکدام هیئت‌های اندیشه‌ورز لازم دارد.

ضرورت برنامه‌ریزی برای پیشرفت بسیج

اینها لازم است؛ اینها چیزهایی است که برای پیشرفت بسیج و برای تکامل و ثمردهی هرچه بیشتر این شجره‌ی طیبه لازم است. چون شجره، طیبه است: **«أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تَوْتَى أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»** (سوره ابراهیم: ۲۴-۲۵). اگر بخواهید این **«تَوْتَى أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»** تحقق پیدا بکند، این چیزهایی که عرض کردیم لازم است. خب این‌هایی که ما عرض کردیم خطوط کلی است؛ تحلیلی و ذهنی هم نیست. همه‌ی این چیزهایی که عرض کردم ناظر به عمل است، ناظر به واقعیت است؛ هرکدام از اینها شرح و تفصیل هم دارد -همین‌طور که قبلاً عرض شد- هرکدام از اینها، رویه‌سازی و برنامه‌سازی هم لازم دارد که اینها به عهده‌ی شماها است، به عهده‌ی مسئولین است؛ باید بنشینند این کارها را انجام بدهند؛ اینها خطوط

همان‌ها را مدام با افتخار به کار می‌برند؛ نه، ما خودمان زبان داریم، واژه‌سازی کنیم. «هیئت‌های اندیشه‌ورز» از «اتاق فکر» خیلی گویاتر هم هست. ما هیئت‌های اندیشه‌ورز لازم داریم. کجا؟ در دو نقطه: یکی در رأس، یکی در لایه‌ها. لایه‌های گوناگون بسیج فراوان است. همین که حالا این بچه‌ها اینجا می‌گویند ما شوق داریم و ما را بفرستید و چرا نمی‌فرستید، همان جنگ سخت است؛ از جنگ سخت که احتیاج دارد به هیئت اندیشه‌ورز برای ترسیم و تعیین حدود این کار که چه کسی برود، کی برود، چه‌جوری برود؛ تا جنگ نرم که جنگ نرم یک عرصه‌ی بسیار وسیعی است و روز‌به‌روز هم با گسترش این فضای مجازی دارد

کردیم، اگر بتواند از قوت و قدرت بسیج استفاده کند، می‌شود اقتصاد مقاومتی مردم‌سالار؛ در علم همین‌جور است، در پیشرفت‌های گوناگون اجتماعی همین‌جور است، در سیاست همین‌جور است؛ مظهر مردم‌سالاری دینی، بسیج است.

هیئت‌های اندیشه‌ورز

یک نکته‌ی دیگر این است که گفتیم هیئت‌های اندیشه‌ورز؛ من اصرار دارم این کلمه‌ی «اتاق فکر» را که فرنگی‌ها می‌گویند به کار نبرم. اتاق فکر یک تعبیر فرنگی است، می‌آیند آقایان می‌نشینند کلمات فرنگی را تبدیل می‌کنند به ترجمه‌ی تحت‌اللفظی فارسی،



(سوره شعرا: ۶۱) -حالا به ما می‌رسند و پدر ما را در می‌آورند- ما هم به تقلید از حضرت موسی عرض می‌کنیم که «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (سوره شعرا: ۶۲).

تحلیل بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که جهاد در اندیشه اسلامی مفهومی گسترده و چندبعدی است که تنها به میدان جنگ محدود نمی‌شود، بلکه شامل جهاد فکری، تبلیغی، اقتصادی، و معنوی نیز می‌گردد. بسیج به عنوان نماد عملیاتی این تفکر، با ترکیب روحیه انقلابی، بصیرت، و تقوا، نقش محوری در حفظ و پیشرفت نظام اسلامی ایفا می‌کند. پیامدهای عملی این دیدگاه عبارتند از: ضرورت تقویت هماهنگی بین اқشار مختلف بسیج، توسعه هیئت‌های اندیشه‌ورز برای مقابله با جنگ نرم، و پایبندی به اصول اخلاقی و معنوی به عنوان شرط اساسی موفقیت. همچنین، تأکید بر معیت الهی و اعتماد به قدرت مردم، رمز پیروزی در برابر تهدیدات دشمنان است. این یافته‌ها راهنمای عمل برای امت اسلام در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب و مقاومت در برابر چالش‌های جهانی است.



جوان‌های کشور، برای همان‌هایی که من گفتم «افسران جنگ نرم»، رقیب‌سازی می‌کنند. یک خط موازی درست می‌کنند، برای اینکه از اینجا غافلش کنند و آنجا بکشانندش. اینها مسائل مهمی است.

پیروزی با اتکا به معیت الهی

جمهوری اسلامی با اتکاء به قدرت الهی و با باور کردن قدرت حضور مردم، از هیچ قدرتی در دنیا هراس ندارد. اگر کسی به تقلید از روحیه‌های ضعیف بنی‌اسرائیل می‌گوید که «إِنَّا لَمُدْرَكُونَ»

کلی ناظر به عمل است، ناظر به واقع است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

توطئه دشمن در ایجاد خطوط موازی

یکی [دیگر] از راه‌هایی که دشمن‌ها دنبال می‌کنند، ایجاد خطوط موازی است؛ رقیب درست کردن برای بسیج؛ از این کارها هم می‌کنند. بنده نمی‌خواهم حالا وارد جزئیات بشوم اما من می‌شناسم، اطلاع دارم، شاید بعضی از شما هم اطلاع داشته باشید که همین الان دارند برای بسیج، برای





دشمن شناسی و یهود در قرآن کریم

مفهوم واژه دشمن

واژه دشمن در قرآن معادل "عدو" است. عدو یعنی تجاوز و در گذشته از حد است که با التیام منافات دارد یعنی با بهبودی بخشیدن و سازگاری دادن میان دو چیز تفاوت دارد.

عدو دو گونه است:

۱- عداوت به قصد دشمنی و خصومت مثل آیات «فان کان من قوم عدو لكم» (نساء/۹۲) «جعلنا لكل نبی عدوا من المجرمین» (فرقان ۳۱) و دشمنی از دیگری و از غیر جنس خود در آیه: «عدوا شیاطین الانس و الجن» (انعام/۱۱۲).

۲- دشمنی و عداوتی که از روی قصد نباشد، بلکه حالتی به او دست میدهد که اذیت میشود، همانگونه که از دشمنان مورد اذیت و آزار قرار میگیرد مثل آیه: «فانهزم عدو لی

رب العالمین» (شعراء/۷۷) و آیه ای در باره اولاد که می گوید: «عدوا لكم فاحذروهم» (تغابن/۱۴) (حقی و همکاران، ۱۴۰۲).

واژه های کلیدی مرتبط با شناخت دشمن در قرآن

الف- عدو: در قاموس قرآن «عدو» به معنای دشمن است، آن هم دشمنی که هم در دل با انسان عداوت دارد و هم در ظاهر مطابق آن رفتار می کنند. به طور کلی، دو نوع دشمن وجود دارد: یکی آن که یک شخص به فرد دیگر عداوت دارد همراه با انگیزه عداوت و دشمنی. دیگری این که فرد با قصد و انگیزه عداوت نباشد بلکه دارای حالتی است که فرد مقابل از آن متاثر می شود.

ب- مکر: به معنی خدعه و نیرنگ است. استاد مصطفی مراغی در تفسیر

خود مکرر این گونه بیان کرده اند: «مکر در اصل تدبیر مخفی است که مکر شده را نسبت به آنچه که گمان نمی کرد می کشاند و غالباً در تدبیر سوء و ناپسند به کار می رود».

ج- کید: به مفهوم حيله و نیرنگ، فریب دادن و کوشش کردن است. از این جهت، به جنگ «کید» گفته می شود. کید در هیچ زمانی بدون تامل و اندیشیدن به کار گرفته نمی شود.

د- خدع: به معنی فریب دادن و قصد بدی نسبت به دیگران داشتن است به گونه ای که از دید طرف مقابل پنهان باشد. مراغی در تفسیر این آیه «یخدعون الله و الذین ءامنوا...» می گوید تعبیر به «مخادعه» برای مبالغه است یا بیانگر تکرار و دوام «خدعه» و نیرنگ منافقان به مومنین است.

(یعنی هیچگونه بصیرتی ندارند، مسخره کردن مومنان و یاران شیطان هستند.

۵- بعضی از همسران و فرزندان «یا ایها الذین آمنوا ان من ازواجکم و اولادکم عدوا لکم» (تغابن/۱۴) «ای کسانی که ایمان آوردید بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند با این مفهوم که آنها با القای شبهه، شما را از عمل صالح باز میدارند و مانع ایمان و تقوای انسان میباشند و از دشمنان محسوب میشوند» (حقی و همکاران، ۱۴۰۲).

شیوه و روش های قرآن کریم در تعامل با دشمنان

قرآن کریم علاوه بر معرفی دشمن و شیوههای او به شناسایی راه مقابله با آن نیز میپردازد. شگردهای مبارزه مسلمان با دشمنان بر مبنای آیات قرآن کریم بیان شده است، ایمان و توکل، ترک معصیت، یاد خدا، پناه بردن به خدا، تزکیه نفس، ترس از خدا و بازداري نفس از هوی و هوس، خود را به خدا سپردن، قطع هرگونه ارتباط و دوستی، صبر و تقوا اعلان موضع صریح مبنی بر بیزاری از آنها، مبارزه فرهنگی به وسیله قرآن مجهر شدن به سلاح روز،

برای انسان بوده است.

۲- مشرکان، خداوند میفرماید «لتجدن اشد الناس عداوه للذین آمنوا... والذین اشوکوا»

(مائده/۸۲) به طور مسلم مشرکان را دشمن ترین نسبت به مومنان خواهی یافت.

۳- منافقان: «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا (بقره/۱۰) در دلهای آنها یک نوع بیماری است، خداوند بر بیماری آنها میافزاید» برطبق قرآن این افراد کسانی هستند که میگویند ایمان آوردیم اما دروغ میگویند، و ایمانی به خدا و رسولش ندارند و نیز لجاجت، کینه، ترس، سستی در انجام عبادت بهانه تراشی، هواپرستی، حریم شکنی، ارتباط با دشمنان اسلام و امر به بدی و نهی از نیکی از جمله ویژگیهای منافقان میباشد که به عنوان دشمنان سرسخت مومنان میباشند.

۴- «کفار ان، الکافرین کانوا لکم عدوا مبینا» (نساء/۱۰۱) «همانا کافران دشمن آشکار شما هستند»

ویژگی کفار در قرآن عبارتست از تکذیب آیات خدا، کور و کر بودن

هـ نفاق: به مفهوم مخفی کردن، کفر و تظاهر به ایمان است. منافق کسی است که با روش مرموز در جامعه نفوذ کند و از طریق دیگر فرار کند. علاوه بر واژه های فوق «کفر، ضلل، صد و بطلانه» هم به بحث دشمن و شناخت دشمن در قرآن مرتبط می باشد، همه این واژه ها بیش از هزار بار در قرآن مطرح شده است که هر کدام از این واژه ها و مشتقات آن ها به نوعی به شناخت دشمن مرتبط است (تقی زاده فانید، ۱۳۹۱).

دشمن شناسی قرآنی

قطعاً قدمت تقابل دو جبهه حق و باطل به درازای تاریخ بشریت است زیرا همواره کسانی بوده اند که گزاره های وحیانی را در تعارض با منافع شخصی خویش دیده و به اشکال مختلف در صدد رفع و رد این مانع برآمده اند. تشخیص باطل بودن این جبهه بر اساس اقدامات خصمانه ایشان (جنگ سخت) سهل است، ولی مشکل زمانی ایجاد می شود که دشمن وارد جنگ نرم شده و با نقابی از حق، باطل خویش را استتار نماید. و چون تشخیص باطن باطل دشوار است، لذا فرصت نفوذ مزورانه و منافقانه دشمنان در میان مؤمنان فراهم تر است و آسیب ها بیشتر. از این روست که با اتکاء به روش درون دینی یعنی مراجعه به آیات کریمه قرآن می توان در جهت کسب بصیرت قدم های مؤثرتری برداشت (مجتبی، ۱۴۰۱).

انواع دشمن در قرآن

با توجه به معانی دشمن در قرآن دشمن به چند دسته تقسیم شده است: ۱- شیطان، یکی از بزرگترین و قویترین دشمنان انسان که در قرآن به صراحت بیان میفرماید، شیطان میباشد.

ان الشیطان لکم عدو فاتخذہ عدوا (فاطر ۶) «البته شیطان دشمن شماست. پس او را دشمن بدارید».

در آیه دیگر میفرماید: «ان الشیطان کان للانسان عدوا مبینا» (اسرا/۵۷) «همیشه شیطان دشمن آشکاری



است که مرتب از سوی خداوند به مسلمانان تذکر داده می‌شود تا از آن پند و اندرز گیرند. ما نیز به اندازه فهم اندک و توان خویش بر آن شدیم تا از چشمه‌های زلال و جاری این کوثر هدایت جرعه‌ای بنوشیم: لذا از تفسیر گرانقدر «نمونه» به عنوان مرجع تفسیر آیات و کتاب تلمود (تعلیم دیانت و آداب یهود) که کتاب مقدس یهودیان است و نیز از پروتکل‌های صهیونیسم استفاده شده است (قویدل، ۱۳۸۲).

بنی اسرائیل و یهود به چه معناست؟

یهودا، نام فرزند حضرت یعقوب است که در بین النهرین متولد شد و چون مادرش هنگام ولادت او شکرگزاری و ستایش کرد، او را یهودا نامید. و قوم یهود به اعتبار نسبت با یهودا، که بزرگ‌ترین اولاد حضرت یعقوب بود، خوانده شدند. و در واقع یهودیان به تیره‌ای از سامیان گفته می‌شود که عبرانیان یا بنی اسرائیل و از نظر دینی کلیمی یا موسوی خوانده می‌شوند. کتاب‌شان تورات نام دارد و در قرآن، از آنها به «الیهود» و «الذین هادو» تعبیر شده است.

اسرائیل مرکب از «اسرا» به معنای بنده و «ئیل» به معنای خداست که نام حضرت یعقوب است. که به نوادگان و نسل یعقوب (ع) و قوم یهود. (دایرةالمعارف قرآن کریم، جلد ۶، صفحه ۹۷) فرزندان و تمامی فرزندان معنوی یعقوب گفته می‌شود. «بنی اسرائیل» مجموعاً ۴۲ بار در قرآن با همین عنوان آمده است و شمار چشمگیری از آیات به گزارش تاریخ و حوادث مهم زندگی آنان می‌پردازد؛ چنین برمی‌آید که در عرف قرآن کریم مراد از بنی اسرائیل، یهود قدیم است (شیرزاد کمانگر، ۱۴۰۳).

معنای صهیونیسم چیست؟

صهیون، نام موقعیتی در بیت المقدس است که هیکل سلیمان، مسجدالاقصی و قبه الصخره روی آن ساخته شده است گاهی

دشمن (نساء/ ۸۹ و ۱۴۴، مائده/ ۸۲، ممتحنه/ ۴-۱)، ایمن ندانستن خود از وسوسه دشمنان (نساء/ ۴۵-۴۴)، عدم اعتماد در گفتن راز به دشمنان (آل عمران/ ۱۱۸ - ۱۲۰، منافقون/ ۱۴)، سازش ناپذیری در برابر دشمنان (آل عمران/ ۱۴۶، هود/ ۱۱۳) و پرهیز از دوستی با یهود و نصاری (مائده/ ۵۱-۵۲) همگی از جمله هشدارهایی است که قرآن کریم اعلان فرموده است. خداوند علاوه بر هشدارهای فوق یک راهکار اصلی و اساسی به مسلمانان توصیه می‌کند و آن آراسته شدن به لباس صبر و تقوی است که آیه ۱۲۰ سوره آل عمران به آن پرداخته است: «...ان تصبروا وتتقوا لا یضرکم کیدهم شیاً...» نقطه پیوند صبر و تقوی و مصونیت از نیرنگ‌های دشمنان در این است که اولاً این دو (صبر و تقوی) سبب:

مبارزه قهرآمیز و جهاد با دشمنان، افشاگری، بصیرت دینی و حذر هوشیاری و احتیاط از راهکارهای قرآن کریم برای مقابله با دشمنان است (حقی و همکاران، ۱۴۰۲).

اصولی مبارزه با دشمن

به طور کلی، سه اصل مهم در برخورد با دشمن وجود دارد: ابتدا دشمن شناسی است و آن چه بعد از شناخت دشمن در دفاع هوشمندانه نقش مهم و اساسی را ایفا می‌کند، شناخت راههای تدافعی آن می‌باشد که باید برای آموختن این شیوه‌ها به «قرآن و عترت» روی آورد که در تاریکی‌ها، «نورالمبین» و در تنش‌های اجتماعی «حبل المتین» و در طوفان‌های سهمگین حوادث «عروه الوثقی» می‌باشند و البته عترت پیامبر است که مفسر



و مبین قرآن می‌باشد.

اصل دوم طبق آیه ۶۰ از سوره انفال، هوشیاری و کسب اقتدار، مجهز شدن به مدرن‌ترین سلاح‌ها و آمادگی کامل در مقابل دشمن است.

و اصل سوم در برخورد با دشمن، ممنوعیت دوستی با دشمن است که بسیاری از آیات قرآن به آن اشاره کرده است: احتیاط در برخورد با دشمن (بقره/ ۱۲۰، آل عمران/ ۶۹)، عدم طرح دوستی با

نیرومندی در کارها (آل عمران/ ۱۸۶)، زدودن ترس و اندوه از دل‌ها (احقاف/ ۱۳) و نیز نزول امدادهای غیبی از جانب خدا برای صاحبان این دو فضیلت است. در این صورت است که تیره‌های توطئه دشمنان به هدف اصابت نمی‌کند و نقشه‌های آنان ناکام می‌ماند (تقی زاده فانی، ۱۳۹۲).

یهودیت در قرآن

یکی از مباحث مهم و مورد تأکید قرآن کریم، تاریخ و عمل کرد یهود

عقاید تحریف شده یهود

انجام نماز و پرداخت زکات و انفاق (قرض به خداوند) دعوت کردند، گفتند: اگر خداوند فقیر نبود از ما قرض نمی‌خواست: «قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ».

مشاهده می‌کنیم که یهودیان از دادن نسبت‌های ناروا به خداوند کوچک‌ترین ابایی ندارند و حتی خود را برتر از خداوند می‌دانند.

از تاریخ زندگی یهود - علاوه بر آیات قرآن کریم - چنین برمی‌آید که آنها خود را یک نژاد برتر می‌دانسته و معتقد بودند که گل سر سبد جامعه انسانیت اند، بهشت به خاطر آن‌ها آفریده شده و آتش جهنم با آنها کاری ندارد. آنها فرزندان خداوند و دوستان خاص او

یهودیان هم مانند گروهی از مسیحیان به خداوند نسبت‌های شرک می‌بستند. در قرآن کریم آمده است: «وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا؛ این عقیده خرافی که خداوند دارای فرزند است، هم مسیحیان و هم جمعی از

یهود و هم مشرکان به آن اعتقاد داشتند. در جای دیگر قرآن آمده: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ؛ یهود می‌گفتند: «عزیر» پسر خداوند است که خداوند در جواب این سخن آنان می‌فرماید: همه چیز در آسمان و زمین برای خداوند است و نیازی به فرزند ندارد. (قویدل، ۱۳۸۲).



هستند. این خودخواهی ابلهانه در آیات مختلفی از قرآن که سخن از یهود به میان آمده منعکس شده است؛ مثلاً: «نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ، فرزندان خداوند و دوستان خاص او هستیم.» و «وَقَالُوا لَئِنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةُ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى» آنها گفتند: کسی در بهشت داخل نمی‌شود، مگر این که یهودی یا نصرانی باشد».

این پندارهای موهوم از یک سو آنها را به ظلم، خیانت، گناه و طغیان دعوت می‌کرد و از سوی دیگر به کبر و خودپسندی و خودبرتربینی. از آن جا که همیشه شیوه و روش قرآن بر منطق و استدلال استوار

از آن جا که یهودیان بعد از ظهور اسلام قدرت خود را از دست داده بودند، این را به خدا نسبت داده و معتقد بودند: دست خداوند بسته است که به ما بخششی نمی‌کند: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ» خداوند نیز در ادامه آیه در جواب به آنان می‌فرماید: «غَلَتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعْنُوا بِمَا قَالُوا» دست آنها بسته شده و به لعن خداوند گرفتار شده‌اند.

برنامه دیرینه یهود این است که همیشه خود را برتر از دیگران می‌دانند تا جایی که وقتی پیامبر اسلام نامه‌ای به یهودیان «بنی‌قینقاع» نوشتند و آنها را به

نیز مقصود تمام شهر اورشلیم است یعنی شهر برگزیده خدا یا شهر آسمانی که آرزوی قوم خداوند صهیون است. ایجاد حکومت یهود در آغاز به وسیله بنیامین ذئب یا تئودور هرتسل در سال ۱۸۹۶ طراحی شد.

صهیونیسم از همان آغاز، فعالیت خویش را با نیرنگ شروع کرد و سازمان جهانی صهیونیست‌ها در ماه اوت ۱۸۹۷ در شهر بال در نخستین کنگره جهانی صهیونیست‌ها بنیاد نهاده شد و مفاد آن به تصویب رسید. حدود ۱۷ سال پس از این ماجرا، جنگ جهانی اول در گرفت. انگلیسی‌ها در سال ۱۹۱۴ با حکومت عثمانی وارد جنگ شدند و بعد پیروزی بر آن در سال ۱۹۱۷ فلسطین را که جزو قلمروی امپراطوری عثمانی بود اشغال و تحت قیمومت خود در آوردند.

صهیونیست‌ها که به دنبال ارض موعود بودند به سراغ انگلیسی‌ها رفته که به آنان واگذار کنند تا حکومت یهود در فلسطین استقرار یابد و چندی پس از آن سازمان مزبور «تراست مستعمراتی یهود» را یک شرکت سهامی جهانی بود به‌وجود آورد و چنین طرز تفکری مورد حمایت شخصیت‌های مهم یهودیان جهان قرار گرفت. و تمام اهداف صهیونیسم که تأسیس وطن ملی برای یهودیان و داشتن کشور خودمختار و دولت یهودی در فلسطین بود با فراهم کردن مهاجرت یهودیان به آنجا فراهم شد.

آنان با کسب حمایت بیشتر اعضای سازمان ملل، یک حکومت خارجی را در فلسطین با آواره کردن بیشتر ساکنان آنان به‌وجود آوردند و با به رسمیت شناختن دولت عبری، نوعی مشروعیت بین‌المللی را دریافت کردند. در حالی که جمعیت مسلمانان این سرزمین، ۵۰۰ هزار نفر، یهودی ۶۰ هزار و مسیحی حدود ۶۰ هزار بودند (شیرزاد کمانگر، ۱۴۰۳).

که اهل کتاب بودند و مشترکاتشان با مسلمین بیشتر بود، اما تا این حد پیش رفتند که گفتند: راه شما از مسلمانان به هدایت نزدیک‌تر است. عجیب‌تر این که این روحیه ناپسند هم چنان در این قوم پابرجاست.

خداوند در آیه‌ای دیگر، چهره دیگری از اهل کتاب و یهود را نشان می‌دهد؛ چه این که عده‌ای از یهود عقیده داشتند که مسئول حفظ امانت‌های دیگران نیستند، حتی حق دارند امانات آنها را تملک کنند. آنها می‌گفتند: ما اهل کتاب هستیم و پیامبر و کتاب آسمانی در میان ما بوده، بنابراین اموال دیگران برای ما احترامی ندارد. این مطلب به قدری در نزد آنان مسلم بود که جنبه اعتقادی و مذهبی به خود گرفته بود. (قویدل، ۱۳۸۲).

گروهی دیگر از یهود بعد از مسلمان شدن اعراب از پرداخت حقوق و امانت‌های آنها خودداری می‌کردند و چنین استدلال می‌کردند که هنگام معامله، با ما مخالف نبودید، الآن که مذهب جدیدی اختیار کرده‌اید حقتان ساقط شده است. البته این آیه تصریح دارد که همه اهل کتاب این تفکر را نداشتند: «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا؛ بعضی از اهل کتاب اگر ثروت هنگفتی را به رسم امانت به او بدهی به موقع آن را پرداخت می‌کند و بعضی دیگر حتی اگر یک دینار به آنها بسپاری از ادای آن سر باز می‌زنند، مگر این که در برابر آنها توانایی و قدرت داشته باشی».

امروز نیز صهیونیسم خودکامه چنین اعتقادی دارد و رفتارش در جامعه بین الملل گواه این ادعاست.

به خاطر همین اعتقاد و افکار تحریف شده است که قرآن در آیه سیزده سوره مائده درباره یهود می‌فرماید: «تنها عده کمی از آنان پاک و حق شناس بودند» و این در حالی است که در آیه بعد درباره نصاری می‌فرماید: «جمعی منحرف

بزرگان یهود بود بعد از جنگ احد به اتفاق هفتاد نفر از یهودیان به سوی مکه آمد تا با مشرکان مکه بر ضد پیامبر پیمان بسته و پیمان قبلی خود با پیامبر را نقض کردند. آنها در خانه‌های مشرکان مهمان شدند، یکی از مکیان به کعب گفت: اگر می‌خواهید هم‌پیمان شویم باید بت‌های ما را سجده کنید. یهودیان بت‌ها را سجده کردند و بعد از آن با مشرکان هم پیمان شدند. کعب به مشرکان گفت: «به خدا سوگند! آیین شما از آیین محمد(ص) بهتر است. لذا آیه پنجاه و یک سوره نساء نازل شد و یکی دیگر از صفات ناپسند یهود را منعکس کرد: «أَلَمْ تَرَ



إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجَنَّةِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا؛ ندیدی و تعجب نکردی از حال آنان که بهره‌ای از کتاب آسمانی هم داشتند (یهودیان) باز چگونه به بتان و طاغوت گرویدند و به کافران مشرک می‌گویند که راه شما به صواب نزدیک‌تر از طریقه اهل ایمان است» (قویدل، ۱۳۸۲).

قوم یهود برای پیشبرد اهدافشان آن‌چنان با مشرکان سازش کاری نشان دادند که حتی برای جلب نظر آنان در برابر بت‌های آنها سجده می‌کردند و آیین خرافی مشرکان را بر اسلام ترجیح می‌دادند، با این

است، در پاسخ به این زیاده‌خواهی آنان چنین می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِندَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» اگر آن چنان که شما مدعی هستید سرای آخرت نزد خداوند مخصوص شما است نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید».

ادعاهای دروغین یهود یکی از دلایل روشن خودخواهی آنان است و این برتری‌طلبی با هیچ منطقی سازگار نیست، چنان چه قرآن پرده از روی تزویر و دروغ آنان برمی‌دارد، زیرا آنان به هیچ وجه حاضر به ترک زندگی دنیا نیستند: «وَلْتَجِدْنَهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاتِهِ وَمِنَ الَّذِينَ

أَشْرَكُوا يَوْمَئِذٍ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعْمَرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْزَخٍ مِّنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعْمَرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ» آنها را حریص‌ترین مردم و حتی حریص‌تر از مشرکان، بر زندگی این دنیا و انداختن ثروت خواهی یافت (تا آن جا که هر یک از آنها دوست دارد هزار سال عمر کند، در حالی که این عمر طولانی او را از عقاب خداوند باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال آنها بینا است» (قویدل، ۱۳۸۲).

یکی دیگر از صفات و روحیات یهود در آیه پنجاه و یک سوره نساء بیان شده است:

«کعب بن اشرف» که یکی از



شدند» (قویدل، ۱۳۸۲).

گزارش قرآن از ویژگیهای تاریخی یهود

قرآن از گذشته یهود بیشتر با عنوان بنی اسرائیل یاد میکند. در قرآن ردائیل مختلفی را به قوم یهود نسبت داده است که از جمله آنها مواردی است که در پی می آید:

دنیاطلبی

دنیاطلبی یهود باعث شده که هیچگاه به حق خود قانع نباشند و به طور دایم به جمع اموال

و ثروت، ولو با غصب اموال دیگران بپردازند. همین امر آنها را به رباخواری و خوردن اموال

مردم واداشته است (المائدہ/ ۴۲ ۶۲ النساء (۱۶۱)). مطابق قوانین یهودی، باید بالاترین نرخ ربا را یک یهودی از غیر یهودی بگیرد. (شاکر، ۱۳۹۱).

پیمان شکنی

قرآن بیان میکند که از بنی اسرائیل پیمان گرفته شده بود که (۱) جز خدا را نپرستند؛ (۲) به پدر و مادر خویشان یتیمان و مستمندان نیکی کنند (۳) با مردم نیک سخن باشند؛ (۴) نماز به پا دارند؛ (۵) زکات بدهند؛ اما جز اندکی از آنان بقیه از این دستورات تخطی کردند (البقره/ ۸۳). تعبیر ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ در آیه ۸۳ بقره که هم از مصدر تَوَلَّى و هم از اعراض استفاده شده نشانه آن است که این امر به صورت یک عادت در یهودیان درآمده است. (شاکر، ۱۳۹۱).

اهانت به خداوند و تمسخر آیات الهی

وقتی آیاتی نازل شد که مردم را دعوت به انفاق در راه خدا کرد، یهودیان گفتند که خدا فقیر است و ما بی نیاز هستیم آل عمران (۱۸۱) و یا گفتند که دست خدا بسته است (المائدہ/ ۶۴). (شاکر، ۱۳۹۱).

دشمنی با جبرئیل

یهودیان با این بهانه به پیامبر (ص) ایمان نمی آوردند که با جبرئیل که آورنده وحی است دشمن هستند. قرآن به پیامبر (ص) می گوید: بگو کسی که دشمن جبرئیل است ادر واقع دشمن خداست؛ چرا که او تنها با اذن خداست که قرآن را بر قلب تو نازل می کند - قرآنی که تصدیق کننده تورات نیز هست (البقره ۹۷-۹۸). (شاکر، ۱۳۹۱).

کشتن پیامبران و صالحان و مخالفت با آنان

یهود در تاریخ خود، انبیایی چون اشیاء ارمیا زکریا و حزقیال را کشتند. برخورد یهودیان با حضرت موسی و نافرمانی های متعدد آنها و نیز بهانه گیری هایشان به طور فراوان در قرآن و نیز کتاب مقدس خود یهودیان مورد اشاره و تصریح قرار گرفته است. تلاش یهودیان برای کشتن حضرت عیسی و ادعای گزاف در مورد قتل ایشان (النساء/ ۱۵۷) جزو افتخارات آنهاست. همچنین ایراد بهتان به مادر آن حضرت (النساء/ ۱۵۶) از نمونه هایی

است که دلالت می کند که آنها نمیخواهند جز آنچه خود، حق میدانند برتابند و در این راه حاضرند برای لکه دار کردن حقیقت و التباس حق با باطل دست به هر کاری بزنند. (شاکر، ۱۳۹۱).

نادیده گرفتن احکام الهی

نمونه بارز آن، عمل اصحاب سبت است احکام مربوط به روز شنبه را مراعات نکردند. خداوند نیز با مسخشان به صورت بوزینه، آنها را به شدت مجازات کرد. (البقره/ ۶۵، النساء/ ۴۷، الاعراف/ ۱۶۳-۱۶۶) (شاکر، ۱۳۹۱).

سرانجام یهودیت در قرآن

حجت الاسلام مرتضی دانشمند، محقق و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی طی یادداشتی که در اختیار خبرگزاری ایکنا از قم قرار داده است، نوشت: با آنکه حکومت اسرائیل روز و شب از زمین و دریا و هوا بر زنان و کودکان بی پناه فلسطین حمله می کند و آمریکا و بعضی کشورهای غربی و عربی از او طرفداری می کنند در زمان ظهور امام زمام (عج) اسرائیل چه سرنوشتی خواهد داشت؟ در پاسخ باید بگویم براساس پیش بینی های قرآن، خداوند کسانی را بر یهودیان ستمگر و تبهکار خواهد فرستاد که تا روز قیامت آنها را کیفر می دهد تا شاید از تبهکاری و ستمکاری دست بردارند.

این پیشگویی قرآن در سوره اعراف آمده است: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ به خاطر بسیار که خدا اعلام کرده است قطعاً کسانی را بر یهودی های سرکش مسلط می کند که تا روز قیامت آنها را به زیر سلطه بکشند، چون او خلافاکارها را به سرعت مجازات می کند و برای خطاکارها آمرزنده مهربان است.»

«وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ



يَرْجِعُونَ؛ ما آنان (بنی اسرائیل) را در زمین به صورت گروه‌هایی پراکنده ساختیم، بعضی از آنان صالحند و برخی لجوج و حيله‌گر و غیر صالح، و آنان را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، شاید که برگردند».

براساس این دو آیه اگر یهودیان دست از ظلم و ستم بردارند خداوند کیفرش را به سرعت بر آنان می‌فرستد و اگر دست بردارند خداوند با بخشش و رحمت خود با آن‌ها رفتار خواهد کرد.

حالا باید دید آیا یهودیان دست از ستمکاری بر

می‌دارند تا مورد بخشش خداوند قرار گیرند یا همچنان به ستمکاری ادامه می‌دهند.

برخی از روایت‌ها که آینده را پیش‌بینی می‌کند به ما می‌گوید که آن‌ها دست از ستمکاری بر نمی‌دارند برای همین خداوند آن‌ها را کیفر و عذاب می‌دهد.

در روایتی از پیامبر (ص) می‌خوانیم: «قال النبی (ص): لا تقوّم الساعة حتی یقاتل المسلمون الیهود، فیتقتلهم المسلمون حتی

ممکن است منظور از سنگ، همان سنگرها و پناهگاه‌ها باشد. یعنی یهودیان در آن روز حتی در سنگرهای خودشان هم جای امنی نخواهند داشت. ممکن است ناامن بودن سنگرهای یهودیان به این معنا باشد که مسلمانان در آن روز بین یهودیان نفوذ می‌کنند و از خبرهایشان آگاه می‌شوند. ممکن هم است به این معنا باشد که در آن زمان مسلمانان از نظر علمی به جایی می‌رسند که می‌توانند دستگاه‌های شنود نامرئی در بین یهودیان و پناهگاه‌هایشان نصب کنند و از اخبار یهودیان و نقشه‌هایشان به خوبی آگاه شوند. ممکن هم است معنای دیگری داشته باشد. اما به هر حال در آن روز مسلمانان شاهد ضعف و نابودی یهودیان و قدرت اسلام در سرتاسر جهان خواهند بود.

پیامبر (ص) فرمودند: قیامت برپا نشود، تا اینکه مسلمانان با یهود بجنگند و در این جنگ مسلمانان یهود را می‌کشند تا جایی که یهودی پشت سنگ و درخت پنهان می‌شود و آن سنگ و درخت می‌گوید: ای مسلمان! ای بنده خدا! این یهودی در پشت من پنهان است، بیا و او را بکش (دانشمند، ۱۴۰۲).

پشت من یک یهودی کمین کرده است بیا بیا او را مجازات کنید».

ما می‌دانیم هم‌اکنون هم بین مسلمانان فلسطین و لبنان از یک طرف و حکومت اسرائیل از طرف دیگر حالت جنگ وجود دارد. اما در آستانه ظهور این جنگ گسترده و فراگیر خواهد شد. مسلمانان به لطف خداوند قدرت خواهند گرفت و یهودیان و طرفداران‌شان به ضعف و ناتوانی دچار خواهند شد. به‌طوری که طبق سخن پیامبر (ص) همه جا برای یهودیان ناامن خواهد شد، حتی زیر سنگ‌ها.

يَخْتَبِي الْيَهُودِي وَرَاءَ الْحَجَرِ وَ الشَّجَرِ، فَيَقُولُ الْحَجَرُ وَ الشَّجَرُ: يَا مُسْلِمٌ، يَا عَبْدَ اللَّهِ ، هَذَا يَهُودِيٌّ خَلَفِي فَتَعَالَ فَاَقْتُلْهُ؛ پیش از قیامت، شما با یهودیان نبرد خواهید کرد، در این جنگ یاری خداوند با شما خواهد بود و یهودیان نابود خواهند شد و کمین‌گاه‌ها و سنگرهای آنان از بین خواهد رفت. در این نبرد آن‌ها هیچ جای امنی در زمین نخواهند داشت. حتی اگر یهودیان پشت سنگ‌ها پنهان شوند آن سنگ‌ها یهودیان را لو خواهند داد و هر سنگ خواهد گفت: در



انسجام، وحدت، همدلی و همبستگی ملی و دینی بر مبنای قرآن

تنوع ادیان

دین پدیده‌ای عمیق و ریشه‌دار در زندگی انسان به شمار می‌رود؛ در واقع دین بیانگر و تبلور ویژگی تفکر و درک بشری است که انسان را از دیگر مخلوقات متمایز می‌سازد. ویژگی تفکر در انسان سبب می‌شود تا او به دنبال مبداء پیدایش، هدف از خلقت، سرنوشت انسان، نیز قدرت آفریننده و ارتباط انسان با این قدرت بگردد و آنچه که پاسخ این سؤال آدمی را می‌دهد،

دین و عقیده اوست. از آنجا که انسان موجودی است برخوردار از اندیشه و فهم، از همان آغاز حیات بشری، دین همراه و همزاد او بوده؛ به همین دلیل بعضی از دانشمندان تاریخ ادیان معتقدند که دین با آغاز تاریخ حیات بشری روی زمین، یعنی حدود دو میلیون سال پیش آغاز گشته است. از این رو شمار بسیاری از مورخان باور دارند که در طول تاریخ، ملل و جوامع زیادی بوده‌اند که از هیچ علم، دانش، هنر، فلسفه و تمدنی

برخوردار نبوده‌اند، اما هیچ جامعه انسانی را بدون دین نمی‌توان یافت.

همان گونه که تنوع و تفاوت در ابعاد مختلف زندگی بشر پدیدار گشته، در زمینه دین نیز این تنوع مشاهده می‌شود. اما خداوند سبحان، انسان را سرگردان رها نکرده تا در برابر امواج سؤال‌آلات بی‌پناه بماند، بلکه برای یافتن پاسخ صحیح، پیامبران را فرستاد تا بشر را به دین استوار و صراط مستقیم

و مسائل اجتماعی آن (و هر آنچه که «شرعاً») نامیده می شود از دیگران متفاوت می باشند. همچنان که زبان، فرهنگ و رویکردهای یک امت (و هر آنچه که «منهاج») نامیده می شود) با زبان، فرهنگ و رویکرد دیگر امت ها متفاوت است.

ب. بازخورد این تفاوت در وجود بشر می باشد. وگرنه خداوند می توانست انسان را نیز مانند پرندگان، ماهی ها و... یک امت واحد قرار دهد بی آنکه اختلاف قابل توجهی میان آنها مشاهده شود.

ج. وجود تفاوت برای زندگی انسان ها سودمند می باشد، و این امر انسان را به رقابت و شتاب گرفتن در انجام امور خیر فرا می خواند چون هر طایفه و گروه برای محقق ساختن پیشرفت و برتری خود بر دیگران تلاش می کنند تا نظام های زندگی را بهتر بشناسند. از این رو در تاریخ تمدن های بزرگی را می بینیم که به دلیل رقابت و پیکار گروه ها و اقوام با

روابط براساس احترام متقابل می باشد؛ البته اگر کسی در پی دشمنی با مخالفان برآید، باید با او برخورد کرد: «خدا شما را از کسانی که در (کار) دین با شما جنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند، باز نمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید».

البته اسلام از جریحه دار کردن احساسات پیروان دیگر ادیان نهی کرده، حتی اگر بت پرست باشند؛ زیرا ناسزاگویی به مقدسات دینی آنان باعث می گردد که آنان نیز به مقدسات مسلمانان توهین کنند و ناسزا گویند: «و آنها را که جز خدا را می خوانند دشنام دهید که آنان از روی دشمنی (و) به نادانی خدا را دشنام خواهند داد».

میان کتب آسمانی و پیروان ادیان مختلف پاسخ داده است. این پاسخ در چند نکته قابل تبیین می باشد:

الف. هر امتی با رفتار و حرکات مادی و معنوی خاص خود از دیگر امت ها متمایز می گردد. اقتصاد هر امت، رفتار فردی اعضای امت

رهنمون سازند. یادآوری این نکته ضروری است که نقش پیامبران تبلیغ رسالت و دین خداوند می باشد، ایشان مردم را به پذیرش دین الهی مجبور نمی کنند؛ به همین دلیل هم مردم به دو گروه اصلی تقسیم می شوند: گروهی که دعوت پیامبران را اجابت کرده و ایمان می آورند غوطه ورنند؛ «آیا جز ابلاغ آشکار بر پیامبران (وظیفه ای) است؟ و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم (تا بگوید): خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید. پس گروهی از ایشان هدایت یافتند و گروهی نیز سزاوار گمراهی شدند».) با توجه به آیات قرآن کریم درباره ادیان، در می یابیم که آیات بسیاری به ادیان مختلف بشری اشاره دارد. در این باره بیان چند نکته مهم به نظر می رسد:

اول: وجود تنوع و تعدد دینی را نمی توان نادیده انگاشت: «در دین هیچ اجباری نیست. دین شما برای خودتان و دین من برای خودم».

دوم: مؤمن در دعوت دیگران به دین خود باید شیوه مناسب را در پیش گرفته، از جدل و جنجال بپرهیزد: «(با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن)».

سوم: انسان در دینداری و انتخاب عقیده باید رسیدن به حقیقت را هدف خویش قرار دهد، پس برای جستجوی حقیقت و یافتن راه راست نسبت به ادیان و آرای دیگر نیز باید تحقیق و بررسی نمود «(آنان که به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند)». گفتگوی میان ادیان نیز باید در فضایی کاملاً آرام و براساس احترام متقابل انجام گیرد تا نتیجه بخش باشد: «(و با اهل کتاب جز به (شیوه ای) که بهتر است مجادله مکنید)».

چهارم: اختلاف ادیان در میان بشر نباید به درگیری و نزاع منجر شود؛ زیرا اصل و اساس در میان مردم جهان، همزیستی مسالمت آمیز و یکپارچگی و داشتن





یکدیگر شکل گرفته اند. و رقابت این اقوام موجب فروپاشی و تخریب در درون امت نگردیده است.

د. وجود این تفاوت نباید موجب گردد هر گروه برای از بین بردن این تفاوت خواه با نابود سازی و خواه با مشاجره های لفظی و کلامی در صدد حذف دیگران برآید. بلکه باید تمام اهتمام هر گروه دستیابی به دستاوردهای بزرگتر از دستاوردهای رقیب باشد، چرا که این هستی آنقدر گسترده است که حیات را برای همگان ممکن ساخته است.

حکمت خداوند در ایجاد تفاوت میان انسان ها، آزمودن آنها براساس میزان توان ذاتی و امکانات طبیعی است که برای هر گروه و امتی فراهم ساخته است تا روشن شود کدام گروه شناخت و آگاهی از حیات و در به تسخیر درآوردن آن و در نتیجه کدام گروه در ایمان و عمل صالح برتر از دیگر اقوام می باشد. بنابراین زندگی دنیوی میدان شکوفایی توان و انرژی انسان و بروز شایستگی ها و پیشرفت می باشد. رستگاری و پیروزی نیز از آن شایسته ترین خواهد بود.

راه های هم زیستی

اگر دو شرط اساسی را رعایت کنیم ، می توانیم بر اشکالات تنوع بشری غالب شویم و به یک سطح از هم زیستی مسالمت آمیز دست یابیم :

شرط اول : تضمین حقوق و منافع طرف های مختلف

اگر هر یک از مجموعه های بشری احساس کند که حقوقش از سوی طرف دیگر نادیده گرفته شده و به منافعش دست اندازی شده ، شرایط هم زیستی مسالمت آمیز فراهم نمی شود. معمولاً در جوامع بشری درگیری و نزاع زمانی رخ می دهد که گروهی به حقوق و ضعیف هم باشد، از برقراری روابط مناسب با دیگر گروه ها خودداری می کند و همیشه به دنبال انتقام است. به همین دلیل قرآن کریم به لزوم رعایت حقوق

آنان با مسلمانان رابطه مسالمت آمیز داشته باشند و علیه ایشان دست به تجاوز نزنند، خداوند می فرماید: ((خدا شما را از کسانی که در (کار) دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند، باز نمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست دارد)).

پیمان ها و معاهدات صلح را که پیامبر(ص) با قبایل یهود، مجامع نصرانی و گروه های مشرک عرب ، بسته بودند، نمونه هایی است که بیان می کند، اسلام به دنبال برقراری روابط انسانی مثبت با افراد مختلف به منظور یک زندگی مشترک و مسالمت آمیز است. تاریخ اسلام نشان می دهد، مسلمانان به دلیل تعلیم و آموزه های اسلامی ، به این پیمان ها و معاهدات پای بند بودند، زیرا قرآن می فرماید: ((و به پیمان وفا کنید، که از پیمان پرشش خواهد شد.)) و نیز ((و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفا دارند)).

دیگران و عدم تعدی به مخالفان تاءکید فراوان می کند. مؤمنان حق دارند، در صورتی که کافران به آنها حمله کردند، از خود دفاع کنند، اما نباید پا را از مرز دفاع فراتر نهند و دست به تجاوز بزنند: ((و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، بجنگید، ولی از اندازه در نگذرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی دارد)).

شرط دوم : احترام متقابل

انسانیت ، جوهر واحد و مشترک میان تمام بنی آدم است ، پس باید همه انسان ها، علی رغم داشتن گرایش ها و جهت گیری های متفاوت ، به یکدیگر احترام بگذارند، زیرا همگی در جوهره انسانی با یکدیگر مساوی اند. امام علی (ع) می فرماید: ((مردم دو قسم اند، یا برادر دینی تو هستند و یا در خلقت مانند تو می باشند)). قرآن کریم مسلمانان را به داشتن رابطه حسنه با مخالفان دینی خود و نیز ارتباط براساس احترام متقابل ، احسان ، رعایت حقوق تشویق می کند؛ البته تا زمانی که

منابع

- ابن بابویه (شیخ صدوق)، م. ع. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه. مؤسسه النشر الإسلامی.
- امام خمینی، ر. (۱۳۹۰). کتاب البیع. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بابایی، م. (۱۳۹۷). هدایت و رهبری از دیدگاه قرآن و راهبردهای آن. فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، ۱، ۶۱-۸۱.
- باقری، محمدحسن و قربانزاده، منصور (۱۳۸۹). ریشه‌های دشمنی صهیونیسم با جهان اسلام. تهران، اندیشه عصر، چاپ اول، ص ۹۵.
- تقی زاده فانید، حاجیه. (۱۳۹۱). اهمیت و جایگاه دشمن شناسی در قرآن. بنیاد علوم و معارف اسلامی tadabbor.org
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۵). ولایت فقیه: ولایت فقاہت و عدالت. اسراء.
- حر عاملی، م. ح. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. مؤسسه آل البیت (ع).
- حقی، ع. و رجائی پور، و. احمري، ح. (۱۴۰۲). دشمن شناسی و شیوه‌های تعامل با دشمنان از دیدگاه قرآن، روایات و فقه امامیه. فصلنامه مطالعات بین رشته ای فقه. شماره ۱۳. ص ۱۳۵-۱۴۳.
- دانشمند، مرتضی. (۱۴۰۲). سرنوشت قوم یهود از منظر کلام الهی. خبرگزاری بین المللی قرآن کریم. Iqna.ir.
- سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۹۲). راهبردهای عدالت سیاسی از منظر قرآن کریم. سیاست متعالیه. ص ۱۹.
- شاکر، محمد کاظم. (۱۳۹۱). تفسیری تاریخی از یهود در قرآن کریم. فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم. سال دوم، شماره ششم. ص ۱۵-۲۰.
- شهیدی، ج. (۱۳۷۹). نهج البلاغه. انتشارات علمی و فرهنگی.
- شیرزاد کمانگر، حسن. (۱۴۰۳). نگاهی به مفهوم سه واژه یهود، بنی اسرائیل و صهیونیسم. پرتال جامع علوم و معارف قرآن. quran.isca.ir
- طباطبایی، س. م. (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن. مؤسسه الاعلمی.
- صفار، حسن. (۱۳۹۶). وحدت ملی و همبستگی اسلامی از نگاه قرآن و سنت. مجله حصون. شماره ۱۴. ص ۶-۳۲.
- طبسی، ن. (۱۴۱۱ق). الاحتجاج. نشر المرتضی.
- علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۶). تحلیل سیاسی جنگ های پیامبر اکرم راهبردی برای امروز. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۲(۲)، ص ۲.
- قاضی زاده، کاظم (۱۳۸۵). جنگ و صلح از دیدگاه قرآن. ص ۱۰-۱۲.
- قاسمی، فرج الله (۱۳۸۹). نگاهی به راهبردهای اصولی سیاسی برای حکومت زمینه ساز ظهور، با بهره گیری از قرآن کریم. فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود، ۴ (۱۵). ص ۱۹.
- قرآن کریم.
- قویدل، مصطفی. (۱۳۸۲). یهود در قرآن. نشریه پاسدار اسلام. شماره ۲۵۸. ensani.ir.
- محبتی، مریم. (۱۴۰۱). دشمن شناسی قرآنی و استراتژی پیامبر در مواجهه با دشمنان در آیات مقاومت. فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، سال یازدهم، شماره چهارم. Khatamfestival.ir
- محمدی. (۱۳۹۵)، ۱۱ مرداد. اثبات اطاعت از امام خاتمه‌ای رهبر جهان اسلام با استفاده از آیات و روایات. سایت خبرگزاری بسیج. <https://basijnews.ir/fa/news/۸۷۲۱۰۰۴>
- محقق، جواد (۱۴۰۱). راهبرد قدرت هوشمند در سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر قرآن کریم. رساله دکتری، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی. ص ۱۹۴-۲۱۳.
- مجلسی، م. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. دار إحياء التراث العربی.
- وحدانی، مرضیه (۱۳۹۸). مبانی و راهبردهای جهانی سازی فرهنگ اسلامی از منظر قرآن کریم (با رویکرد پیشرفت سیاسی و اقتصادی). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. ص ۳۳-۳۵.

TEBYAN

